

# تشکیل مجلس مؤسسان ضروری است، اما محتوا را فراموش نکنیم

تشکیل با عدم تشکیل مجلس مؤسسان مسئله روز است. درباره ضرورت تشکیل آن از طرف نیروهای متعدد خلقی و دموکرات و حتی لیبرال، سخن بسیار گفته شده است نظریه آنرا در حد یک نتیجه منوان شمار آورد. طرفداران تشکیل مجلس مؤسسان و آنها که بر ضرورت آن اصرار دارند به بنیاد حقوقی و تاریخی مسئله اشاره میکنند، از لحاظ سر مراحل قانونگذاری در خود اسرآن و نیز کیفیت برخورد رژیم-های گذشته موضوع را بررسی کرده قاطعانه اظهار می-دارند که حتی رژیم ضد مردمی و قانون شکن پهلوی نیز جرات نکرد اصل تشکیل مجلس مؤسسان را نادیده بگیرد. آنها همچنین وعده های فاطح آب-الله خمینی را پیش از واژگونی رژیم شاه (آنجا که در بارسی یکی از وظایف " شورای انقلاب اسلامی " را " بررسی و مطالعه شرایط تاسیس دولت انتقالی و تهیه مقدمات اولیه آن و تشکیل مجلس مؤسسان و انجام انتخابات" ذکر مینماید - اطلاعات ۲۳ دی ماه ۵۷ - ) و با سه-هنگام معرفی مهندس بازرگان به عنوان نخست-وزیر، درست ۴ روز قبل از قیام مسلحانه در مدرسه علموی تهران چنین میگویند: " رئیس-دولتی را معرفی می-کنیم که موقتا دولتی تشکیل بدهد که هم به ایمن-آفتنگیها خاتمه بدهد و هم این مسئله کنونی که مجلس مؤسسان است. انتخابات مجلس مؤسسان را درست کند و مقدمات آنرا درست کند و مجلس مؤسسان تاسیس شود و انتخابات مجلس هم انجام بشود و آنها دولت قانونی را انتخاب کنند و مجلس مؤسسان که تشکیل شد جمهوری اسلامی را به فرزندم بگذارد " ( اطلاعات ۱۷ بهمن ۵۷ ) . نیروهای طرفدار تشکیل مجلس مؤسسان صریحا یا تلویحا بدستی اناره میکنند که بر خلاف آن وعده ها نشیبه دارد زیرا که گذارده میشود و با تشکیل مجامعی من درآوردی نظیر مجلس " خبرگان " موضوعا بین-همه-ی-بدمت-فرا-موشی-سپرده-میشود، بنا-بدا-زکسانی که فرزندم-معروف-را به آن شکل راه انداختند جز-این نیز نباید انتظار داشت .

ادامه در صفحه ۲

# بازهم درباره ملی کردن بانکها

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

# بیکار

دوشنبه، بیست و هشتم خردادماه ۱۳۵۸ - بها: ۱۰ ریال

# نتایج قیام بهمن ماه و جنبه طبقاتی تحول سیاسی حاضر

مقدمه:

بررسی تمام برکوه بهمن ماه و نتایج سیاسی - اجتماعی آن از اهمیت ویژه ای برخوردار است. این کار که از لحاظ تعیین برنامه و شیوه از جنبه برخورد عملی به مسائل حسن، دارای اهمیت محسوب میشود. ما به خود کوشیده-ام که به بررسی ریشه ها و نتایج تمام سرداریم، و در همین رابطه مثلا ریشه های امتدادی تمام را در بیکار درج کردیم و احرا ارزیابی خود را در مورد ریشه های تمام از لحاظ سیاسی و اقتصادی و حسن-بوده ای منبر ساخته-ام. و انکدر اینجا ملاحظات خود را در ریشه نتایج تمام بهمن ماه میآوریم:

گزارش بر سر سوسله-یکی از  
رفقای هوادار سازمان برای  
"بیکار" ارسال شده است:

# گزارشی از روستاهای بمباران شده کردستان

از بین رفته بودند انسان را سخت متاثر میکرد. این روستایان زجر کشیده در چنین شرایط سخت و در چنین منطقه دور افتاده بدون امکانات زندگی میکنند و چنین بلاهایی را نیز منحمل میشوند.

این دهکده قبلا حدود ۱۳ خانوار ( حدود ۱۰۰ نفر ) جمعیت داشت و در هنگام بمباران روستایان در رده نبوده اند ( به بیلاقی رفته بودند ) جز اعضای یسک ادامه در صفحه ۵

از دهکده " سوران " ( جنوب غرب سردشت و نزدیکی آن ) تا روستای " کته متک " یکساعت پیاده راه است و از ابتدا پس از ۱/۵ ساعت پیاده روی به روستای " کانی زرد " مرسوم. این روستا که حدود ۸۰ خانوار ( ۴۰۰ نفر ) جمعیت دارد یکی از روستاهایی است که مورد هجوم هواپیما های عراقی قرار گرفته بود. در سه کیلومتری این روستا و در داخل خاک عراق یکی از پایگاه های متعلق به کومله م.ل. و اتحادیه میهنی-برسان کرد ( عراق ) ( به رهبری جلال طالبانی ) قرار دارد. روی این روستا ۵ بمب انداخته بودند که هیچ کدام روی آبادی نیافتاده بود. از محل سقوط بمبها عکس گرفتیم. شدت انفجارات بقدری بود که بیشتر شیشه و پنجره های دهکده را شکسته بود و خانه ها به شدت تکان خورده حالتی از رعب و هراس اهالی این روستا و روستاهای دیگر را فرا گرفته بود. در نتیجه آران دو نفر زخمی شده بودند.

یک هفته قبل از آن هواپیما های عراقی ارتفاعات بوزل و روستای کوره شیر را بمباران کرده بودند. روستای بمباران شده گوره شیر که بر بالای تپه های مجاور کوهها ساخته شده است روستائی است. و کور که بوی مرگ میداد شنیدن صدای خند از دور و بوی لاسه های گاو و اسب... که در اثر بمباران سوخته و

# کشتار خلق عرب محکوم است

۳۴ صفحه  
۶۴ صفحه  
مبارزات کارگران کوره پزخانه ها

# لایحه مطبوعات گامی به قهقرا

روز ۱۴ خرداد وزارت " ارشاد ملی " لایحه پیشنهادی خود را منتشر و یک-فرصت ۱۰ روزه برای برخورد با آن تعیین کرد.

این لایحه نمونه نازاری است از چگونگی برخورد دولت موقت، با مصالح حیاتی مردم و شاید تنها حسن آن این باشد که کینه ورزی بورژوازی نسبت به منافع زحمتکشان را با انحمارطلبی و تنگ نظری خرده-بورژوازی یکجا دارد!

این لایحه از همان ابتدا بدون توجه به اینکه نشر عقاید و افکار، حق طبیعی هر فرد و گروه و جمعیتی است برای انتشار روزنامه شرط " امتیاز " را

نصفه در صفحه ۲

# ۲۹ خرداد ، روز خلع ید، روزی تابناک و الهام بخش

اما او بنا به قول چند تن از نزدیکترین بارانسی " بعد از ملی کردن نفت دیگر برنامه ای نداشت " او دیگر از حد و مرز طبقاتی-نمی-انداخت و فرانسوا گذارد و پیکرانه مبارزه دموکراتیک ضد امپریال-لیستی بوده ها را به نمر رساند. این ناتوازی از ماهیت طبقاتی او منتها-مکرف، و هرچند نا-آنجا که ادامه در صفحه ۲

در مبارزات واقعه ناپدید خلقهای ستمدیده ایران برای طرد سلطه امپریالیسم و ارتجاع ازمیهن و کسب استقلال اقتصادی و سیاسی، روز ۲۹ خرداد ۱۳۳۵ روزی فراموش ناتنی است. حاکمیت همه جانبه انگلیسی ها بر نفت ما پس از ۵۰ سال ( ۱۹۰۱ - ۱۹۵۱ ) پایان یافت. نهفت ملی کردن منافع نفت که رهبری شادروان دکتر محمد مصدق و با پیشنهادی عموم رحمت کسان ایران در یک مرحله به پیروزی رسید و توانست از ترک غارتگر نفت ایران و انگلیس خلق ید سماند، از محتوای عظیم دیکراتیک و ضد امپریالیستی برخوردار بود. کوتاه کردن دست انگلیسی ها از گرانقدرترین منافع زیرزمینی ما چنان آنها و دیگر امپریالیستها را برآفت که در واژگون کردن حکومت ملی مصدق از هر وسیله ای، داخلی و یا خارجی - سود جستند و حکومت او را در مرداد ۳۲ واژگون نمودند.

در آزمان جبهی سراسری نوده ای برای کوسا ه کردن دست انگلیسی ها از نفت چون سیل جاری بود اما رهبری آن نه بدست نیروهای انقلابی و دموکرات بنگسر بلکه بدست بورژوازی ملی بود که هر چند در یک مرحله با سلطه امپریالیسم مبارزه میکند اما امکان سازش چنان در او زیاد است که مبارزه زحمتکشان خلقی را به آسانی در راه و اصول به منافع خود غرض-ه خویشی-رها کرده و آنرا میبرد.

مصدق مصمانه در راه ملی شدن صنعت نفت که تض عمده ای در تلمین خواستهای ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی نوده های وسیع تشکیل ممداد، کوشید.

# کمزورانی بسندج ، توطئه ای بر علیه خلق کرد

خلق کرد طی دوران سیاه رژیم پهلوی، دوران برکتاری و حاکمیت مطلق و بی چون و چرای امپریال-لیستها و بالاحصا امپریالیسم آمریکا - مصاف برانکه همانند تمامی خلفهای اسرآن نحت ستم و استعمار بی رحمانه قرار داشته، بلکه زیر نام " کسرد " بودن، فشار و ستم مضاعفی را سیر متحمل شده-است.

خلق کرد طی سالها مبارزه و نبرد بر علیه رژیم دست-نفاشته امپریالیسم بدرستی دریافتند اس-کسره مبارزه جهت کسح تمسین سرنوشت و رفع ستم ملی-اصولی-ترس و انقلابی-ترس راه برای قطع سلطه و نفوذ امپریالیسم از حیات خلق و منهن مساشد.

و امروز نیز خلق کرد بر روی جبهی حقوق ملی خود پای فشرده و طی قطعنامه های ۸ ماده ای سندج

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

ادامه از صفحه اول مجلس مؤسسان...

اینجا همه درس، ماسد عس مرز بندی با نیروهای لیبرال و هدی که آنها از مجلس مؤسسان دارند - همدا با کلیه نیروهایی که خواستار احترام گزاردن به نهادهای دیمکراتیک جامعه هستند، ضرورت تسکین مجلس مؤسسان را مورد باشد فرار مندییم و نادیده گرفتن این خواست عمومی را نج هر عنوان و با هر توحیه که عملی شود محکوم می باشد و آنرا ادامه منطق سیاسی انحناطلیمان و ننگ نظرانه رایج می - دانیم، که بیرون آن تنها سوک دماغ خودشان را میببینند و نمی توانند فرائز آن را از جیز دیگری را بپسندند . ما معتقدیم این شوه مانع از شرکت نما - سندگان واقعی و دلسوز زمختگان در تعیین سروسوت خود میشود . و در نتیجه قانون اساسی آینده نخواهد توانست منافع زمختگان را در برگیرد . تصمیمی که برای ایجاد مجلس " خیرگان " بحای مجلس مؤسسان گرفته شده است ، هدی جز دور ساختن انقلابیون و سانسنگان واقعی مردم را دنبال نمیکند . و گریسه نما سندگان واقعی بوده های ستمدیده از تشخیص ایس با آن ماده قانون عاجز ننسند و بهانههایی که آورده منمود ، تنها گویای سنگ نظری و انحناطلینی وافسن و حمیل کنندگان مجلس " خیرگان " به مردم ستمدیده است .

اما در رابطه با این مسئله ، نه یک کنه کمتر اساره رفته و تنها برخی از نیروهای انقلابی مارکسیست - لنینیست از آن سخن گفته اند و آن محتوای مجلس مؤسسان است . این امر از نظر مبارز تشکیل با عدم تشکیل مجلس مؤسسان اهمیت بسیار بیشتری دارد ، زیرا آنها که آن رفتارند را سراه انداختند متوانستند مجلس مؤسسانی هم که بهمین سیاق باشد سراه اندازند . اگرچه نه به آن آسانی ، و بهمین دلیل هم هست که از انجام آن ظفره رفتند . آنها میتوانستند مجلس مؤسسانی که محتوای طبیعی همس دولتی ، فلان شورا و مجلس منورتی را داشته باشد - بسازند و برای تمام آنچه بنام " قانون اساسی " سرهم کرده اند امضا بگیرند - اما آنها برستی تشکیل چنین مجلسی کدام درد از دردهای کنونی بوده های زمختگی ما را درمان میکنند ؟

از دیدگاه نهاده های زمختگی خلقهای ما که بهشتی سار انقلاب را بدوش کشیدند و در آغاز راه طولانی خویش توانستند سلطنت پهلوی را پیروز نمند - نه واژگون سازند ، قانون اساسی باید بیانگر خواستهای انقلابی و دیمکراتیک خلقهای ما باشد :  
- قانونی که راه را برای همیشه بر سلطه امپریالیستها و وابستگی کشور بدانها ببندد و استقلال کامل سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی و ... ما را ضمن نماید ؛

- قانونی که دست ارتجاع داخلی ، زمینداران سزرگ و بورژوازی وابسته را قاطعانه از مقدرات زمختگی خلقهای ما کوتاه کند و با حل انقلابی مسئله ارضی و نابودی کامل مناسبات ماقبل سرمایه - داری از جمله مناسبات عشایری ، و ملی کردن سرمایه - های وابسته چه صنعتی و چه مالی ، راه را برای رشد سالم اقتصاد کشور به نفع زمختگان بگشاید ؛  
- قانونی که آزادی های فردی و اجتماعی که حداقل آنها آزادی قلم و بیان و اجتماعات ، آزادی مذهبی ، انتخاب مسکن و کار را با در چارچوب منافع نیروهای دیموکرات خلق به رسمیت بشناسد ؛

- قانونی که حق داشتن مسکن و حق داشتن کنار مناسبات را برای هر فرد ایرانی مورد تاکید فراردهد .  
- قانونی که با حل دیموکراتیک مسئله خلقهای ایران و به رسمیت شناختن حق آنها در تعیین سرنوشت خویش ، تمامیت و وحدت ارضی ایران و زندگی برادر - انه آنها را در کنار هم تامین نماید ؛  
- قانونی که بیشترین بها را به اصلی ترین نیروهای مولده یعنی طبقه کارگر داده تضمین کند - حقوق قه آنان در چارچوب یک جمهوری دیموکراتیک خلق باشد ؛

- قانونی که حداقل تحصیلات و آموزش را برای همگان مجانی و الزامی کرده ، بهداشت رایگان و طب ملی را برای عموم تامین نماید ؛  
- قانونی که سازماندهی ارتش دست سرورده رژیم پهلوی و اربابان آمریکا بشیرا بر هم زده بحای آن ارتش خلق را برای حفظ مرزهای کشور تشکیل دهد ؟

ادامه از صفحه اول ۲۹ خرداد ۵۸

وی علیه امیربالیسیم انگلس مبارزه کرد و مدافعان سدر مقابل آنها استاد ، او را با یارح نهاد ، اما او بدرمورد حل مسئله ارضی و سرانداختن متفودالیم و نه برای بر - انداختن رژیم ناهی و زحیدن دربار کلاسه سرسیردگی به امپریالیسم بود و نه برای بسج و سارمادهسی انقلابی توده های خلق و مسلح کردن آنان و ... برای هیچکدام برنامه ای بداست .

خلع بد در یک مرحله به شمر رسید اما محتوی و بعد مبارزات خلق که میخواست بندهای وابستگی به امپریالیسم را برای همیشه قطع کند برای کسانی که آنروز سوار بر موج بودند آشکار نبود و نمیتوانست هم باشد . مهندس سازگان و چند تن دیگر از سران حبه ملی احرای قانون خلق بد را به عهده داشتند که با ستمناهی و حرکت سلای سای مردم پیروز نمندانه عملی کرد - دند ما هما بطوریکه قسم رهبری روزروائی آنروز رسم سوا - بسا بسا دخواستهای مردم را درک کرده و پیگیرانسه مبارزه را ادامه دهد . حبه ملی در آنروز ناامیر - بالسیم انگلس نا حد خلق بد مبارزه کرد اما بعدها با قبول دگرس آنزیهاور ( سال ۳۷ ) مخدم امیربالی -

ادامه از صفحه اول کنفرانس سندج...

ساحتس آنان ، نلاسی اسددر جهت اتحاد نعربه و نقای در موقوف مسحد و گنکارجه خلق و ایجاد زمین مساعد برای فعالسوت و رشد مرتعشن و متفودالیا . نگدرسیم از اینکه حمعی از خود همس تشکیل دهندگان کنفرانس معلوم الحال با دسروز وابسته و سوکر حلقه نکوس رژیم سنعور سلوی سوده اند .

عرالسن حسینی روحایی مترقی کرد کنفرانس مذکور را محکوم کرده و میگوید که :

" البته هرکس بطور فردی مسواد از مردم برای سرکرد یک اجتماع دعوبه عمل آورد و اسر با حق فردی استولی مسواد به اسم یک خلق و با حمیت ساسی اسد . برای اسکه به من و نه همعکس دیگر سخی سواسم و خو دارسم سام خلق کرد سده ۳۰ دامی رژیم که مورد باشد ساسد . در کنفرانس مذکور سانسگان واقعی خلق کرد ، نوده کرد سرکب ندارند و هر تصمیمی که در قطعنامه ای هم که صادره به هیچ وجه مورد باشد بسار آنها سانسگان قعی می سواسد دربار هر سوسب خلق کرد تصمیم نگرسند . " ( آسندگان ۲۰ خرداد )

لیسم تازه بعضی آمریکا را به منطقه خاور مانسه محمله ایران مورد باشد قرار داد و هرگز نتوانست با نارسرین و سرکترس لاسه امیرالیسم سغسی دیار به مبارزه اساسی سرچید . سراسنی روز خلق بد از امپریالیستهای انگلسی در شرکاسی نصف روزی است درخان اسن از سسز هرچیز باسد از نتانج و درسهای آن برای امور الهام گرفن . سروسب هر صام و انقلاب دیموکراتیک که رهبری آنها نیروهای ما به آخر انقلابی و طبقه کارگر در دست نداشت ، حیزی جر نکست نسیب . اسنکه امروز سسز سروز ای مرحله ای خلق در واژگون کردن رژیم ساهنشاهی ، همچان فریاد زمختگان برای قطع کامل نعود و تسلط امپریالیستها بلند است ، اسنکه نوده ها از صدا - کاربهای خود خسته سده و پشروی هرجه سسسر نسوی نحقی اهداف انقلاب را خواستارند ، اسنکه نوده ها به محافظه کاری و مفاومت دولسد راه مبارزه ساسلله امپریالیسم معترض اسد ، ... همه و همه نشان دهنده اسن واضعاست که سوزواری قادر به سسرت آور دن خواستهای زمختگان نیست و سنها با رهبری طبقه کارگر اسکه اس خواستها نامس و انقلاب تا سه آخر ادامه می ساسد .

آچه مسلم اسخلق کرد " هماطوریکه سس مبارزه سگر و حق طلبانه سسود ماهبدرسحای و صد مردمی سوزای عساری را اسوا ، سسود ، اسرار سر ماهمت ارتحای کنفرانس ۲۰ خرداد را سسر اسوا " حواصد کرد . " نقل از اعلامه سوزای هماهگی حمسبهای کردستان )  
آری ، بطور حتم خلق کرد با سحکم موقوف خود و نا باشد دوباره سانسنگان واقعی خویش ، به اسضاء و طرد سوطنهها و خاسبها حواصد برادح ، اراده استوار خلق را به نناس گدارده و سمان حواصد داد که خلق کله گوسمند نیست که هرکس حواصد به مسسل حوسن حوسان آن باشد ، بلکه خلق سنها سانسنگانسی را نا شسید میکند که مدافع راسس منافع او بوده و به برای خلق و ار سمان خلق برحاسنه باشد . سنها به قطعنامه ای صحه سنگارده که با شرکب کرد و نمایند - گان واقعی خلق کرد سوجود آمده اسد .

حماد شیبانی را آزاد کنید!

ادامه از صفحه اول لایحه مطبوعات...

فایل شده است . بدین ترتیب و امسن آن نشان داده اند که چه درکی از لزوم آزادی " سان و قلم " دارند ، و تا چه حد به خواست نوده های ساری که در انقلاب بر علیه دیکتاتوری قسام کرده و هواره به سسوزم آزادی در زمینه نشر عفا بدبا فیاوری کردند ، بای بندند . نویسندگان این لایحه کذاشی برای دادن همسین امتیاز نیز آچنان شرط و شروط فوق طبقاتی و مبهم ، نظیر " تقوای سیاسی " و ... قائل شده اند که نشان دهنده هدف آنها برای مانور دادن و خودداری از دادن " امتیاز " به کسانی است که در وجود آنها " خطری " ( برای سرمایه داری ) احساس میشود  
اما پس از گرفتن امتیاز سسز صاحب روزنامه ( و حتی چاپخانه ای که روزنامه را چاپ میکند ) ( با سستی در صفحه اول اعلام مواضع کند ! تا بدین ترتیب خواست انحنا رطلبانی که حواصد طبقاتی ما را به سسلان و کافر تقسیم میکنند بهتر تامین شود ، و فرسب توده های نا آگاه و بسسج آنان بر علیه روزنامه های متعصب و مسئول و نیروهای جب آسان تر گردد .  
و پس روزنامه ای که با جنس وصی درمی آسد ، تازه در مواردی نظیر ارتش و فرماندهان ارتشی حق انتقاد و افشاگری لازمه را ندارد و هواره امکان متهم شدن در این مورد وجود دارد . ... گوئی از زمانی که همین ارتش و همین فرماندهان به عنوان اصلی ترین عامل سرکوب عمل می کردند سالها گذشته است و گوئی فرماندهان وابسته نک شسه سبطهر سده اند که حواسی استفاد ندارند . ...  
اما واضع اس لایحه یک موصوع سیم رافرا موس کرده اند و آن اسنکه همج سد و ماسعی را در مقابلس حران حقیقت ساری مفاومت نیست . ، همت سخوان رسنم درسد کردن مسسوار از راه بابی حفاصل در مسان نوده های ستم سده مردم حلوکسری کرد .

- قانونی که نسای حقوق بین مردم ایران را مرعظنر از مذهب و حسن و نژاد مورد با کید فراردهد .
- قانونی که با احترام کامل به تعدس خانواده راه را برای رشد استعدادهای زنان در کلیه رمیبه - های علمی و اجتماعی باز بگدارد و به هیچ دلیلی حقوق انسانی آنان را فراموش نکند ؛
- قانونی که جدائی دین از سیاست را ( در عسین احترام به ادیان مورد اعتقاد مردم ) تصریح نسوده داشتن این بای دین را مبنای هیچ امتیازی قرار ندهد ؛
- قانونی که روابط ایران را با کشورهای دیگر بر اساس احترام متقابل و عدم دخالت در اسبور داخلی یکدیگر و بر اساس مبارزه با امپریالیستها و مرتجعین و دوستی با کشورهای سوسیالیستی و مسسل از بند رسته و حمایت همه جاسنه از جنبشهای آزادی - بخش جهان بخصوص جنبش خلقهای منطقه ، پایه ریسی نامی بسد .
- قانونی که ...
- قانونی که ...
- آری مجلس مؤسسانی که بتواند منشأ چنین قوانینی باشد جز در جمهوری دیموکراتیک خلق که تنها آلت تراستوی تضمین کننده حقوق اساسی خلقهای ایران است امکان پذیر نیست . این مجلس مؤسسان با چنین محتوایی است که توده های ما خواستار آسند . این محتوای هرگز با تشکیل صوری مجلسی بنام مؤسسان تطابق ندارد .
- کلیه نیروهای دیموکرات باید در راه انعقاد و برپائی چنین مجلسی مبارزه کنند . اگرچه در شرایط حاضر ، با وضعی روبرو هستیم که حتی تشکیل صوری مجلس مؤسسان مورد نقی و انکار است ، اما پیدا سست خواست ما ، خواست نیروهای انقلابی و دیموکرات که ماسه نباید صرفا متوجه تشکیل صوری مجلس مؤسسان باشد . توده های ما باید محتوای مجلس را در نظر داشته باشند . ( تاریخ نگارس ۲۳/۳/۵۸ )

خلقهای قهرمان ایران! توده های زحمتکش عرب!

انقلاب خلقهای قهرمان ایران بساط سلطنت فاسد پهلوی را درهم بیچید و به زیاده دانی تاریخ سپرد. حرکت انقلابی خلقهای ما در جهت نابودی تمام نهادها و مظاهر وابستگی به امپریالیسم و بقایای فئودال - لیسم و کوتاه کردن دست سرمایه داران وابسته و فئودالها و مرتجعین رنترنگ تا پیروزی کامل ادامه خواهد داشت.

برای حفظ و تحکیم دستاوردهای انقلاب و برای ادامه و استمرار آن، برای پیگیری مبارزه با امپریالیسم، تا مین حقوق خلقهای ایران با ایستگی بطور جدی مورد توجه قرار گیرد. ایجاد وحدت و اتحاد مستحکم بین خلقهای ایران که ما من ادامه انقلاب است تنها در پرتو احقاق حقوق از دست رفته خلقها و حاکمیت آنها بر سرنوشت خویشا مکان پذیر است.

بقایای ارتجاع و امپریالیسم همدست با فئودالها و مرتجعین محلی سعی در توطئه و نفاق افکنی در بین صفوف واحد خلقها و منحرف کردن جهت ضد امپریالیستی انقلاب را دارند. تا از این طریق زمینه مساعدی برای برقراری مجدد حاکمیت مطلق خود فراهم سازند. و در این راه چه بهتر که هر روز یکی از خلقهای قهرمان ایران را سرکوب کرده و نیروهایش را به تحلیل بیاورند. این سرکوب اینک متوجه خلق عربیست.

خلق عرب همانند خلقهای کرد، ترکمن، بلوچ و... در رژیم شاه خائن تحت استثمار و ستم دوگانه سرمایه داران وابسته و فئودالها و روسای عشایر وابسته به رژیم و با پمال شدن حقوق ملی خویش قرار داشتند و به همین جهت بعد از سرنگونی رژیم همدوش با سایر خلقهای تحت ستم در جهت احقاق حقوق خویش به مبارزه شان ادامه دادند.

دولت موقت به اصلاح انقلابی بنا بر ماهیت سازشکارانه خود و ناتوانی اش در مبارزه بر علیه ارتجاع و امپریالیسم ضعف و ناتوانی خود را در احقاق حقوق خلقها و حتی خدمت خود را با نشان دادن داده است. و نتیجه این چنین سیاستی را ما قبلا در کردستان و ننده و ترکمن صحرا تجربه کردیم که حاصلی جز ایجاد تفرقه و شکاف در بین صفوف متحد خلقهای ایران و کشاندن آنها به یک جنگ تحمیلی و ناخواسته نداشت. این بار نیز دولت موقت با اعمال این سیاست نفاق افکنانه نشان داد که نه تنها از برآوردن خواستههای اساسی خلق عرب عاجز است بلکه خود یکی از عوامل مهم ایجاد تفرقه و تشنج در منطقه خوزستان و تحمیل یک جنگ ناخواسته به خلق عرب است.

دولت موقت از همان ابتدا با انتخاب یک ژنرال ارتشی به استانداری خوزستان نشان داد که برنامه مشخصی برای سرکوب خواستههای حق طلبانه عرب ندارد. ژنرال مدنی از ابتدای ورود به خوزستان بطور مشخصی تحریکات خود را برای ایجاد تفرقه و نفاق بین خلقهای فارس و عرب و زمینه سازی برای سرکوب خلق عرب را شروع کرد. از جمله این اقدامات:

۱- ارتضا گیری با جناحهای مرتجع محلی. شیخ و روسای عشایر که از عوامل و ابادی رژیم سابق بودند و تقویت این محافل و حازدن آنها به عنوان نمایندگان خلق عرب از جمله گرمی مزدور که از وابستگان رژیم سابق بود و نا شیخ عصبی بنی طرفه وابستگی اش به رژیم سابق بر همه مردم محلی آشکار است.

۲- وارونه نشان دادن حقایق و خواستههای بحق خلق عرب و متهم کردن توده های زحمتکش خلق عرب به تجزیه طلبی و مخدوش کردن مرز بین اهداف عناصر تجزیه طلب و خواستههای محفانه توده های زحمتکش عرب و جناحهای مترقی آن از طریق رادیو تلویزیون و تحریک افکار عمومی بر علیه خلق عرب.

۳- کوشش در جهت خلع سلاح خلق عرب از بسک طرف و پشاسلحه و مسلح کردن مردم ناآگاه و بخصوص فارسیهای منحصود اوباشان و لومین ها و تحریک آنان بر علیه جناحهای مترقی خلق عرب.

۴- میلیتاریزه کردن منطقه خوزستان از طریق اعزام گارد جاویدان! و اعزام پاسداران به اصطلاح انقلاب از شهرهای مختلف تهران و دزفول و... این توطئه ها و اقدامات ضد مردمی بارها از طرف نیروهای مترقی خلق عرب افشاء شده و به دولت موقت درباره تحریکات ژنرال مدنی و عاواسلخیم آن هشدار داده شده بود. اما علیرغم هشدارهای مکرر این نیروها، ژنرال مدنی به چنان به توطئه چینی و تحریک بر علیه خلق عرب ادامه میداد تا اینکه روز چهارشنبه ۳/۹ نیروهای ارتجاعی به کمک پاسداران به اصطلاح انقلاب و کوماندوهای ارتش هجوم خود را به خلق عرب و از جمله به کانون فرهنگی عرب-خرمشهر شروع میکنند. پاسداران و نیروهای ارتش به دستور ژنرال مدنی در نقاط مختلف عرب نشین شهر بخصوص منطقه کوت شیخ موضع گرفته و مردم بیگانه را هدف رگبارهای خود قرار دادند. و صدها تن از مردم بیگناه (و به قول خودشان تجزیه طلب) را از زن و پد و کودک و پیر کشته و مجروح و یا دستگیر کردند و در نهایت جنگی ناخواسته را بر خلق زحمتکش عرب تحمیل کردند.

ما ضمن اینکه کشتار وحشیانه خلق عرب را شدیداً محکوم میکنیم و خواستار محاکمه و مجازات مسبب کشتار وحشیانه خلق عرب و در رأس آن ژنرال مدنی هستیم، پشتیبانی کامل خود را از حقوق خلق توده های زحمتکش خلق عرب و رفع ستم ملی از آنان که پیوندی ناگسستنی با مبارزه کلیه خلقهای قهرمان ایران در جهت قطع بقایای سلطه و نفوذ امپریالیسم دارد، اعلام میداریم.

ما ضمن آرزوی گریشات تجزیه طلبانه جناحهای مرتجع محلی را که در خدمت تضعیف مبارزه متحد خلقهای ایران قرار میگیرد بشدت محکوم میکنیم. نابود باد مرتجعین و عوامل وابسته به امپریالیسم! مستحکم باد صفوف رزمندگان خلقهای ایران در جهت نابودی بقایای ارتجاع و امپریالیسم!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر " کمیته خوزستان "

## دهقانان، با اتحاد و بزور اسلحه،

### جولان فئودالها را درهم می شکنند

"جمعیت دفاع از حقوق خلق کرد، سردشت" در این مسورد اعلامیه ای تحت عنوان "در نه لیسن چه میگرد" منتشر ساخته که در زیر میخوانیم:

ما جرایز آنجا آغاز میشود که اربابهای "نه نگور" پس از نامش قدرت خود در قهر خانه "آمید" سازشی که با حزب دمکرات بعمل آوردند تصمیم میگیرند بایک قدرت نمایی دیگر منطقه "نه لیس" و احتمالاً سپس "نه نگور" بهره مالکانه وسوسات سال جاری راهب شویبه گذشته از دهقانان بگیرند. برای ایسن منظور بین ۲۰-۸۰ نفر نیروی مسلح آماده کرده و گوردش سلحهاه ای از راه هات نه لیس آغاز میکنند. از چند روز قبل با استفاده از راه ای اختلافات محلی بین اربابها و دهقانان سه روستای "سوستان" "فالاوان" و "نیوه ژ"، اربابها را تشویق میکنند که در مقابل روستائیان ایستادگی کنند و قول میدهند که در مقابل آننها حمایت کنند. برای نمونه در روستای کوچک سوستان که از مدت قبل بخاطر مرتجعوموسی ده بین ارباب و دهقانان اختلاف وجود داشت اربابها را تشویق میکنند که فشار خود را بر مردم بیشتر کنند تا اینکه حدود ده روز قبل بعد از یک بمباران کوتاه با روستائیان آنها را بقتل شکاری به گلوله بکشند و سه نفر را زخمی میسازند. به اینهمه اکتفا نکرده همه یکدیگر را با اربابهایی که مرتب با او رتاس بودند و وحشیگری خود را نسبت به روستائیان روز به روز بیشتر میکنند گوسفندان خود را وارد کشتزارهایشان میکنند. جوپهای آبپاری را خراب میکنند. و... تا جاییکه هشت خانوار روستا را ترک میکنند و در دهات اطراف آواره میگردند. بعد از این جریان نیروی مسلح فئودالها به "سوستان" میروند و آنجا تصرف "فالاوان" حرکت میکنند. در مدت بیست و چهار ساعتی که در "فالاوان" بود در زهرگونه شرارتی خود داری نکردند.

اسلحه و نفر را گرفتند. منزل چند روستائی را به قصد سوزاندن نفت پاشیدند و سپس به "شرط آنکه آدم خوبی باشند" آنها را بخشیدند. خبر این وحشیگری ها بسرعت در منطقه پیچید همه میدانستند که بعد از "فالاوان" نوبت "نیوه ژ" است مردم "نیوه ژ" اطراف ده را سنگر بندی کردند و مبارزه را ادامه دادند در حالی که تصمیم به مقابله گرفتند. سرروز ۲/۳/۵۸ ۱۳ دهقانان روستاهای "بیلوک" "نی ز" "شواشان" "داراب ران" و "قله لاتاسیان" نیروهای کمکی برای "نیوه ژ" می فرستادند. در ساعت چهار و نیم بعد از ظهر قبل از اینکه نیروهای کمکی به "نیوه ژ" برسد حمله فئودالها شروع آغاز میشود و نیوه ژی چا خود قهرمانان مقاومت میکنند و بالاخره بعد از یکساعت جنگ پارسیدن کمک به "نیوه ژ" اربابها تسلیم میشوند و طی آن میبایرند که دسته مسلح خود را از ده عقب کشیده و میراننده شوند و ضمناً مکرر نوع ادعای در مورد نکات (بهره مالکانه) میگردند و تعدد میکنند که تسهیلات از زهرابری برگردانند "سوستان نیهای" رانده شده فراهم سازند و بدین ترتیب مقاومت دهقانان آنان را واداره عقب نشینی مینمایند. روستائیان کمکی تا روز بعد از آن نیز برای اطمینان از عقب نشینی اربابها منطقه را ترک نکردند. هم اکنون عده ای از دهقانان ما مورثی دارند که "سوستان نیها" را رضی به بازگشت نمایند. اما آنها هنوز به پشتیبانی مردم اطمینان و اعتماد کامل پیدا نکرده اند. هرچند دهستان نشان ازدهات اطراف مصرانه سعی دارند که آنها را به خانه و کاشانه خود بازگردانند.

موضع حزب دمکرات در این جریان چنین بوده است: در ابتدای ماجرا حزب با اربابها وارد مذاکره میشود و از آنها خواهش میکند که منطقه را شلوغ نکنند و اجازه بدهند که آنها خود مختاری را بگیرند. این نرمش بر خورد چاکرمنشان حزب دمکرات آنها را بیشتر تشویق میکند. بطوریکه جریان "نیوه ژ" "فالاوان" را پیش آوردند.

در جریان برخورد "نیوه ژ" با وجود اینکه حزب دمکرات در "میراباد" مقر ارد و صدای تیراندازی از آنجا برآید شنیده میشود افراد حزب کوچکترین دخالتی بعمل نیاوردند. حتی در چند مورد با روستائیانیکه قایقهای ارتباطی راحت کنترل خود را آورده بودند تا از رسیدن کمک به اربابها جلوگیری کنند برخورد های خشونت آمیز داشتند و سلاحهای چهار رانهای را گرفته بودند تا بتهدید بدین گرفته همه اربابان بساز گردانند.

مردم "نی ز" و "نیوه ژ" تهدید کرده اند که حزب حقوق ندارد پس از آن نظر ما میفرستند. و در آخر حوادث و وقایع چند روز اخیر روستاهای سردشت را چنین مرور میکنیم: پس از آنکه انقلاب ایران به همت خلقهای محروم و رنج دیده خصوصاً روستائیان مبارز نخستین سنگرهای استبداد را درهم شکست فئودالها و همه آنها که منافع خود را در خطر دیدند بساز

## خلق کرد تجزیه طلبان و همکاری ژاندارمری را با آنان محکوم می کند

بسم الله الرحمن الرحيم  
روز شانزدهم خرداد هزار و سیصد و پنجاه و هشت در فرمانداری سقز نمایندگان "دیده کیه تی جویباران" و شورای انقلاب اسلامی سقز جمعیت زحمتکشان و حزب دمکرات کردستان و هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق و شورای هماهنگی روحانیون مناطق سقز و تکاب و دیواندره و شاهیندژ و کمیته انتظامات اسلامی سقز و روسای دانشگاهی و سایر ادارات دولتی در سقز جلسه ای را تشکیل و در موارد زیر توافق رسیدند:

- ۱- سید محمد صدیق جاف که فعلاً با تفنگچیهای خود در منطقه سرشیو (بسطام و دگاگا) برای مردم منطقه مزاحمت و درد سر فراهم نموده و یکک عناصر ژاندارمری و فئودالها و مرتجعین ضد کرد اسلحه های گروهان بسطام را غصب و ضبط نموده است، اخطار می شود که ظرف ده روز اسلحه خود را به شورای انقلاب سقز تحویل نماید و اگر ژاندارمری یا مردم است دست از همکاری ری با مشارالیه کشیده و ناراضیاتی خود را از اعمال ایشان اعلام نمایند.
- ۲- تمام گروههای مذکور و مترقی سقز باید مقدمات انتخابات شورای ۱۱ نفری شهرستان سقز را هر چه زودتر تهیه و مرحله عمل درآورد بعد از آن در برهه کمیت و کیفیت استقرار ژاندارمری در شهر و روستاهای سقز اتخاذ تصمیم خواهد نمود و در مورد شهرداری نیز تصمیم خود را اتخاذ مینماید. بدیهی است تا انتخاب شورای ۱۱ نفری شهرستان مسغولین ژاندارمری و شهر بانی از هرگونه تصمیمی خود داری نمایند.
- ۳- هیچ نیروی خارجی به هیچ عنوانی حق مداخله در امور داخله ایران و کردستان عزیز را ندارند، زیرا خود مختاری کردستان ایران مربوط بفرماندهای ایران و براداران ایرانی است، هر یکر که های عزیزی باید در عراق خود دنبال خود مختاری کردستان عراق بروند و نباید بهانه تجزیه طلبی را بدست استثمارگران بدهند.
- ۴- انحلال کمیسیون پنج نفری انتصابی که در داد گستری مشغول کار شده اند و باید اعضا با انتخاب واقعی ... (متأسفانه ناخوانا بود) (امضای حاضرین در جلسه)

اهمیت موضوع:

ملی کردن بانکها یکی از خواسته هائی بود که گروههای مترقی مختلف بارها و بارها چه قبل از قیام بهمن ماه و چه پس از آن عنوان کرده بودند . اما چرا اینقدر بر روی ملی کردن بانکها تأکید میشد و چگونه ملی کردنی مورد نظر بود و هنوز تأکید هست ؟ پاسخ به این سوالات بدون بررسی نقش بانکها در سیستم اقتصادی سرمایه داری غیرممکن است .

بانکها شریان حیاتی اقتصاد یک کشور سرمایه داری است . هیچ معامله و هیچ سرمایه گذاری بزرگی نیست که جای پای بانکها را در آن نبینیم . بانکها که در آغاز پیدایش مومسات کوچکی بودند که کارشان در اکثر اوقات صرفاً تسهیل معاملات بود ، همزمان با رشد سرمایه داری ، روز بروز بیشتر این خصلت خود را از دست دادند و به تدریج به مؤسسات واقعی سرمایه گذاری تبدیل شدند . امروزه با اطلاعاتی که بانکها از جریان معاملات و نقل و انتقال سرمایه ها و خلاصه از جزئی ترین اسرار شرکتها و مؤسسات صنعتی ومالی دارند ، برایشان فوق العاده آسان است که بدانند سرمایه گذاری در کدام رشته سودآورتر است تا به آنسو روان شوند . بانکها با جمع آوری ذخیره پولی مردم به شیوه های گوناگون و سرمایه گذاری این مبالغ در رشته های پرسود ، بازگرداندن همان پول به مردم بصورت وام با بهره های سرسام آور ، دریافت کارمزدهای کلان ازدولت و مردم برای کارهای بانکی و خلاصه هزاران حقه بازی دیگر ، هر ساله سود هنگفتی میبرند .

بی جهت نیست که امروزه بانکداری یکی از رشته های مورد علاقه سرمایه داران است . از طرف دیگر بانک در کشورهای وابسته ای مثل ایران ، نقش دیگری نیز ایفا میکند و آن تبدیل شدن به یکی از پایگاههای عمده امپریالیسم است . گذشته از بانکهای مختلط که ماهیت شان آشکارتر است ، با توجه اندکی به سایر بانکها ، می بینیم که در اکثریت قریب به اتفاق این بانکها ، سرمایه های بانکها ، شرکت های سرمایه گذاری امپریالیستی ، یا درمد عمده سهام را تشکیل میدهد و یابسه نسبتی سرمایه گذاری شده که در حقیقت کنترل این بانکها در دست امپریالیست ها است و به همین دلیل سیاست این بانکها را نیز آنها دیکته میکنند .

این یکی دیگر از نمودهای سیاست صدور سرمایه است . از اوایل قرن بیستم که کشورهای امپریالیستی ، افافه بر صدور کالا بطور روزافزونی دست به صدور سرمایه نیز زدند ، بانکها نقش تعیین کننده ای در این جریان سودآور برای کشورهای امپریالیستی ونابودکننده برای کشورهای واردکننده سرمایه داشته اند . بسیاری از به اصطلاح کمک های کشورهای امپریالیستی به کشور های عقب نگه داشته شده از طریق این بانکها سرازیر میشود و نیز وامهائی که این بانکها و شرکت های مالی به دولت های این کشورها میدهند ، فاجعه آمیز است .

خلاصه کنیم که ایجاد بانکهای مختلط یا سرمایه گذاری در بانکهای کشورهای عقب نگه داشته شده ، یکی از شیوه های مهم وابسته کردن هرچه بیشتر کشورهای تحت ستم ، به امپریالیست ها است . این قضیه وقتی آشکارتر میشود که توجه کنیم این سرمایه گذاریها عمدتاً شامل چه بخشهایی میشود . مثلاً در مورد ایران در بانکهای مثل بانک عمران صنعتی و معدنی ایران و یا بانک عمران و سرمایه گذاری ایران و بسیاری بانکهای دیگر . آنوقت است که متوجه میشویم ، درجه وابستگی ایران به کشورهای امپریالیستی و در رأس آن امپریالیسم آمریکا تا چه حدست . تازه امپریالیست ها مثلاً از طریق کنترل بانک عمران و سرمایه گذاری ایران ، تعداد بسیار زیادی بانک و شرکت دیگر را کنترل میکنند . در مورد سایر بانکها که در ظاهر سرمایه خارجی در آن دخالت ندارد ، وضع بهتر از این نیست ، زیرا با وابستگیهای مستقیم و غیر مستقیم سهامداران این بانکها به امپریالیسم ، اوضاع چندان تفاوتی نمیکند . آری با توجه به این مسائل بود که ملی کردن بانکها اینقدر مسرود تأکید قرار میگرفت و هنوز نیز مورد تأکید است ، اما پاسخ دولت چه بود ؟

دولت: مانع اصلی ملی شدن

نگاهی به مباحثها نشان میدهد که مقامات مسئول

دولت گاهی گروهها و افرادی را که این خواست را عنوان مینمودند ، متهم میکردند که " چوبلای چرخ دولت می گذارند " و بدنبال آن حملات مستقیم و غیرمستقیم . زمانی نیز عنوان میکردند که " تعیین تکلیف مالکیت " با مجلس موسسان و قانون اساسی است و این دولت چون موقت است ، بنابراین در این باره تصمیمی نگرفته و نخواهد گرفت . به موازات این سخن پراکنیها ،

- فشارتوده ها، نیروهای انقلابی، آیت الله خمینی و شورای انقلاب
- بانکها در خطر ورشکستگی
- دولت زست انقلابی میگیرد
- خائنین کمیته مرکزی حزب توده: بازهم در پیورگی

سیل کمک از جانب بانک مرکزی بسوی بانکها سرازیر میشد . تا بلکه این موسساتی که سالیان دراز به چپاول مردم بشغول بوده اند و یکی از کانهای مهم نفوذ امپریالیسم هستند ، چند صیاحی بیشتر به اربابان خارجی و وابستگان داخلی آنها خدمت نکنند . در واقع وقتی که آقای مولوی یعنی کسی که سالها به اصطلاح نماینده ایران در بازار مشترک اما در حقیقت کارگزار امپریالیسم بوده ، به ریاست بانک مرکزی منصوب میشود ، انتظار دیگری هم نمیتوان داشت ، زیرا این امر خود چهره بخشی از هیئت دولت را نیز نشان میدهد . حال این سوآل پیش میاید که چه عواملی سبب شده که دولت تغییر سیاست دهد و دست به ملی کردن بانکها بزند ؟

آیادولت به یکباره انقلابی شده است ؟ به گمان ما پاسخ منفی است . علت تغییر سیاست دولت را باید در جای دیگر جستجو نمود .

فشارتوده های ورهبری برای ملی کردن

این تغییر سیاست را باید اولاد در فشارهای وارده از طرف طبقات و اقشار مختلف دید . فشاری را که از طرف اقشار مختلف خرده بورژوازی وارد میشود ، میتوان در اعمال شورای انقلاب و یا سخن رانیهای آیت الله خمینی دید . شاهد دیگر این فشار تأسیس بانک اسلامی یا گسترش صندوقهای قرض الحسنه است . در این رابطه وقتی سخنان دکتر بهشتی را در اولین جلسه هیئت موسس بانک اسلامی بخاطر بیارویم که از سستی دولت در امور بانکها علناً انتقاد میکند و یا این گفته او که : پس از تأسیس بانک اسلامی از مراجع تقلید خواهد خواست که مردم را به انتقال وجوه خود به بانک اسلامی و همکاری وسیع با آن دعوت کنند ، آنوقت اهمیت این فشار درک خواهد شد . از طرف دیگر فشاری که قشر فقیر خسرده بورژوازی که رادیکال تر از دیگر اقشار آن است و مثلاً از طریق سازمان مجاهدین خلق بیان میشود ، به فشار بالا افزوده شود ، اهمیت این مسئله روشن تر میشود . از طرف دیگر درخواست ملی کردن بانکها که از طرف طبقه کارگر و دهقانان و نیز نیروهای وابسته به آنها بیان میشود ، باید مورد توجه قرار گیرد . اما گرچه این خواست از طرف کارگران و دهقانان به شکلهای گوناگون ، اما با قاطعیت و فشاری بیشتر دنبال می گردد ، لیکن بدلیل مجموعه شرایط موجود فشار وارده از طرف خرده بورژوازی فعلاً عملکرد بیشتری دارد .

بانکها در خطر . . .

و بالاخره زست انقلابی دولت

ولی این سکه روی دیگری نیز دارد و آن بخطر افتادن منافع سرشار بانکهاست . خطری که از یکسو در ارتباط با پتانسیل انقلابی جامعه و فشارهای یاد شده است و از طرف دیگر با توجه به رکود اقتصادی کشور که سودآوری بانکها را کاهش میدهد ( گرچه به مفر نمی رساند ) و همچنین در رابطه با اوضاع بی ثبات ایران که احتمال تمامی خطرات برای بانکهای وابسته ، هنوز از بین نرفته است .

پس با پیراهن حلی اندیشیده میندکد که از یکسومنافع اربابان امپریالیست و وابستگان داخلی خلیش حفظ شود و از جانبی دیگر دولت با حفظ قیافه انقلابی ، دمسوای فسادت بسا

بورژوازی ، بتواند هرچه بیشتر قدرت را قبضه کند حال ببینیم چه راه حلی اتخاذ میشود . این پشتک و وارو را در قانون ملی شدن بانکها مبینیم . ماده ۱ این قانون میگوید : برای حفظ حقوق و سرمایه ملی و بکار انداختن چرخهای تولیدی کشور و تضمین سپرده ها و پس اندازهای مردم در بانکها ، ضمن قبول اصل مالکیت مشروع مشروط و ... ( تا کیدازماست )

بازهم در باره ملی کردن بانکها

آری تمام این چشمبندیها بخاطر همین است : قبول اصل مالکیت ، و اینجاست که ضربان قلب بورژوازی تند میشود . گویی همین بانکها نبوده اند که با غارت ثروت این کشور صاحب سرمایه و مالکیتی شده اند که بورژوازی برایش سینه چاک میدهد . به مراجع کوتاهی بس ترازنامه منتشره از سوی بانکها ( بگذریم از اینکه حتی در انتشار ترازنامه هم چقدر تقلب شده است ) به سادگی معلوم میشود که این سرمایه و مالکیت در واقع از آن خلق است . سرمایه ای که با غارت مردم این کشور هر روز زیادتر شده است و اینک دولت انقلابی ! قبل از هرچیز بطور ضمنی تأکید میکند که اولاً این مالکیت مشروع است و ثانیاً آنرا قبول دارد . بسرای اینکه محکم کاری هم کرده باشد و ماهیت این مالکیت را پنهان کند ، آنرا اسلامی جلوه داده و سعی در تطهیر آن میکند ، آنهم وقتی که آیت الله خمینی در صحبتهاش که برای هیئت موسس بانک اسلامی در قم میکند ، سرمایه حاصله از ربا را نامشروع مینامد . اینرا میگویند یک بام و دو هوا . و اینجاست که دولت از طرح مسائل پیشین طفره میبرد . البته این طفره رفتن دنیا لسه درست ، زیرا در اعلامیه دولت از همه چیز صحبت میشود مگر نحوه ملی کردن و خیلی آگاهانه از کنار مسئله میگذرد . زیرا همین جا است که بپوشی تمام ادعاها در مورد ریشه کن کردن امپریالیسم و وابستگیهای بر ملا میشود . چون با توجه به ماهیت دولت از هم اکنون میتوان پیش بینی کرد که چگونه ملی کردنی در مخیله آنهاست . آنها قبل از هر چیز ، با پنهان شدن در پشت سر سهامداران کوچک ، سعی در تطهیر سهامداران بزرگ و شرکای آنها دارند . بنابراین ملی کردن در نظریات عبارت خواهد بود از : پرداخت غرامت و یا باز خرید سهام بانکها ! یعنی در واقع دست خوش به غارتگران با بت سالها چپاول ! برای توضیح بیشتر به این خیبر نگاه کنید :

" ... از سوی دیگر در محافل اقتصادی ( بخوان زبان غیر رسمی دولت ) گفته شد در اجرا برنامه ملی شدن بانکهای خصوصی ، چون تعدادی از بانکها ، بخشی از سهامشان در اختیار سرمایه گذاران خارجی قرار دارد ، پیش بینی میشود در مورد این قبیل بانکها سهام سهامداران خارجی از سوی دولت خریداری شود . . . و یا به همین صورت فعلی و بطور مختلط اداره شود " ( آیندگان ، شنبه ۱۹ خرداد ۵۸ صفحه ۱۲ )

فکر میکنیم همین خبر خود بیانگر قسمت عمده ای از قضیه است . اما نمائیش که بدون هجان لطفی ندارد ، پس به این خبر نگاه کنید :

" یک مقام اقتصادی که نخواست نامش چاپ شود گفت : از طرح ملی شدن بانکها غافلگیر شدم و تعجب میکنم چرا دولت بدون مقدمه دست به چنین کاری زد . این مقام اشاره کرد که بوتو نخست وزیر پاکستان بانکها را ملی اعلام کرد ولی بعد پشیمان شد و چون نتوانست بانکها را اداره کند ، تصمیم گرفت مجدداً به صاحبان اولیه اش برگرداند ، اما با جواب منفی روبرو شد " ( آیندگان ، همان شماره و صفحه ) .

اینجاست که هیجان نمابش زیاد میشود و بیسم امید که نکند دولت انقلابی ما ! شکست بخورد و بسا ایجاد این شبهه که ممکن است ملی کردن بانکها اصولاً درست نباشد . اما این بیم و امید و شبهه فقط کمائی را که این خیمه شب بازی را باور میکنند و یا فکر میکنند و با فکر میکنند که با این شیوه ملی کردن ، بانکداران از هستی ساقط میشوند ، تحت تاثیر قرار خواهد داد .

نتایج این نوع ملی کردن

حالا ببینیم نتیجه این نوع ملی کردن چیست . از یکطرف بجای بانکهای خصوصی که " وضع نامساعد

## آقای ربانی! واقعیت اینهاست، نه آنچه شما گفتید

حدا هم از عازب روسا شان ارومیه گذشت و با لاجرم در تاریخ ۳ اردیبهشت ۵۸، رسیده اما معنی آقای ربانی تیرازی ما مور رسیدگی ما مواسان آذربایجان عری گردید و ویوفتی سه ارومیه رسد، دهها سال سردا ورسند و در دلشان را مطرح نمود. عده ای از ارسان غارتگر رحله حاجی می باقی یک، حورسدی یک نیز در آنجا حوردا سند، اربابان به آنت الله نمکسند که روستا شان همه ساواکی و عمال رزمند، عناصر کمونسد درین روستا شان هسند و روستا شان از این حرف مان و مبهوت وانگست دهان مانده بودند، یکی از روستا شان نام ناسب سوداگر که اربابی نام حاجی می اموالشان را سارت برده، زمینها سراسخ زده و کاشنه و تفنگش راهم گرفته بود علاوه سراسیا نام دارا تیویول دختر را غصب کرده و اورا تحت شکنجه هم فرار داده بود و مدت ۲۸ روز اورا در زندان انداخته (ارباب خودش زندان دارا!) و دست آخر با دستگای که اسرا را اخنه میکنند، اورا اخته کرده بود و حاشا اس را ویران نموده، جوب سب خانها را جلوجمش در بخاری سوزانده بود، به آنت الله در دین گرفته در حالیکه ارباب سعی حاجی سامی نیز حضور داشت اما چه جوانی به او داده ندو حاجی سامی چه گفتند؟! سعدا زبان جلسه ارباب همراه اسکو رنهای مصلحت سوارا نومسل آخربسبستم به کاجس رفت، در حالیکه روستا شان انتظار داشتند که در هاجا اربابان کت بسنه سلیم عدالت شوند و اسن کارهم در صدرب سانسند اما م کهمبه اما م ارومیه بود.

در این جلسه اربابان مخالفت خود را با اربابان ارجحان زاندا رمری اعلام کردند و آقای ربانی نیز چیزی نگفت! و بالاخره آقای ربانی به روستا شان گفت که اسن مسائل جدان مهم بسند، در ضمن کمونسستها شما را تحریک کرده اند (تکرار حرف نبود) ... در جاتی دیگر آقای ربانی اظهار نظر کرد: " در اران ما ارباب و سرما هدر اندازدم ...! (سفل ارجوه " مبارزات دههانی در ارومیه ")

پوششهای ملی و مذهبی قدرت را در دستهای خود قبضه کرده اند خواه ناخواه روزی شکل گریه و مکارشان را می نمایند و آنوقت مردم میدانند که با چنین جریاناتی چگونه باید برخورد کنند همانگونه که در روستاهای سردشت دیدیم.

پیشینه سوسیالیستی تشکیلات اتحادیه های دهقانی نابود باد اتحادیه های عشایری عاملان سرکشی دهقانان پیروز باد مبارزات برحق دهقانان در راه احقاق حقوق ملی و طبقاتی

ماده صام خونین خلق را سجد و دولت حاضر و آماده ای را با هزار نیرنگ و فریب منصرف شود، متصرف شد.

## مشروطه طلبان دیروز و جمهوری خواهان امروز

اکسون اسن دولت، دولت مشروطه طلبان دیروز و " جمهوری خواهان " امروز اسنکه سه فرمان رهبری بر مسند قدرت نسخته است. و عسیرغم حمله با فیهای انقلابی و مجزگوشتی انقلاب در بی آنت تا ماسنین دولتی گذشته را حتی الامکان با اصلاحات کمتری نرمیم و با ساری نماد و حیرت خواران عناصر مزدور نظام گذشته را بکار گذرد و در مقامهای دولتی بکاردار.

حکیم مومتاز همان آغاز تولد، با تلاش فراوان کوشید تا از اقدام و ابتکار انقلابی نوده ها و صرف قدرت از بائس نوسط آنان، که بگونه فاسس حفظ و توسعه دست آوردهای انقلاب است، مانع کند و در طی این مدب سهر وسله ای در اسن راه دست زده اس.

او از بکار بردن ارشدر سرکوب نوده های خلق هج ایائی ندارد (شومنه های نارز، سنندج و ترکمن صحر و نغده و ...) از بائس گوشتی به اساس نریس و میرترین مسائل انقلاب: مسله راضی، مسله ملی حلقفا، مسله ملی کرد (وا معنی) از سوع احسار) مؤسسات مالی و بولسدی، احنای اقتصاد ملی و اسهدام ارس مردور آمریکائی و اتحاد ارنس صلح خلقی و تامس دمکراسی سوده ای و ... عاجز و ناتوان است و به نمایندگی از طبقات دارا در هر کام از بشر فست و تداوم انقلاب فر می افرارد و در برابر خواست نوده ها و خلقها فرار میگرد. واز تمامی اسزار در مدرب در جهت طوکسری از نخلق ایی خواستها بساری محوسسد.

ادامه دارد

## ادامه از صفحه اول گزارش از...

حاصواد و حندن ندر سرکه هسکدام از اسن بلا مصلو سمانده بودند، کس دیگری در ده نبود. اعضا ی خانواده حسن منند که نفرت دهنگی به نحوی آسیب دده به ممرض شده بودند. از منازل روسا حنه تائی سالم مانده بود که آنها هم بصورت متروکه درآمده بودند. مسام در فیهای اطراف خانه ها شکسته و سوخته شده بود. صبح در آید اهالی اسن روستا سمسب سار با چیزی از راه کتا ورزی و سمینی دام بوری اسب. برخی هکارا جاتی هم میردازند. در حوالی اسن روسا باگا های بسروهای انقلابی که علیه رژیم عراق مبارزه میکنند وجود دارد. یکی از مبارزان بسمرگ که در آنجا سا او به گفتگو سنسینم و خود ناظر جربان مزاران سوده اظهار می داشت که چهار حب " سا هو " هسب بمبرها کردند کسی هجارتی آن را روی ده انداختند. خیماره های برناب نده از انداره های کوچک و بزرگ سوده اند صمصا در برخی نقاط با صصتیر و راکب نیز ستر ساداری کرده بودند که صدمه هائی وارد کرده بود، زخمی سدن سک روستائی که مسغول شخم زدن در روستا شوکان سوده و یکی دبگر در کاشی زرد از اسن طریق سوده اسب.

بطور کلی سعداد صصهای رها شده در نقاط مختلف و صمصا وارده طغی جدول رسر سوده اسب:

اسم محل	سعداد مسما ی رها شده	طبقات و حصارات
ماواں	۱ مسب	اگا و کسه سده
سالاره	"	۱ عفر رحمی
گوره سر	۴ نمب درده، ۴ نمب در منطقه	۵ کسه و آرحمی، ۴ گا و و اسب، دهکده و اسرا
کاشی ورد	۵ مسب	۱ رحمی اسرا، ۱ رحمی عراقی
دره فاسرس	۱ مسب	—
سوزل	۲ مسب	—
هلینبه	۴ مسب	۱ عفر رحمی

## دهقانان با اتحاد

ادامه از صفحه ۳ دهقانان با اتحاد  
اتحاد نامقدسی که نتیجه سهل انگاریهای عمده دولت وقت بود با همکاری نیروهای ارتجاعی و فرصت طلب فرصی یافتند که بساط ططم و سبتم را از زمین چینه به آنگجان اعمال ضد انسانی دست از تنده که متجز شد به دهها مورد جنک تحمیلی بارگی، ناضنی های شد ید و ...

و اینک میبینیم که دیگر نامها و عنوانهای پر فریب احزاب و گروههایی که با ماهیت نهایتا ارتجاعی و ضد مردمی خود سعی در فریب افکار عمومی داشته اند و در پیشتر موارد تحت

## ادامه از صفحه آخر نتایج قیام

خرده بورژوازی راسا صرفه سنتی و بورژوازی کمبر ادور در ماسن دولتی سوجه آورده اند. از اسن رو اسن تحول سیاسی، تا آنجا که مربوط به قدرت دولتی و دست به دست شدن ماسن دولتی می گردد، نه بر پایه نابودی کامل نظام سیاسی کهن و اسنقرار قدرت دولتی انقلابی و نظم نوین سرخ راه های نظم کهن، بلکه با شنبیری در قدرت دولتی در چهار چوب سبستم وابستگی عملی گردید.

## پیشکش خرده بورژوازی به بورژوازی لیبرال

خرده بورژوازی از همان زمان که مسئله تصرف قدرت سیاسی، و مرار گرفتن در اسن به امر انقلاب بدل گشت، بیوسته به تحریک بورژوازی لیبرال، فرا سز، سورژوای، محافظه کاری و تنزل طبقاتی اسن برانگخته مشد و اگرچه در جربان قیام ارگانهای انقلابی خا ص خود (کمته ها) را به وجود آورد ولی وقتیکه در موضع قدرت سیاسی قرار گرفت، عملا ناتوانی، ناپی گیری طبقاتی و بی برنامگی سیاسی خود را بطور آشکارا و روشنی به نمایش گذاشت و زمانیکه در کنش اسن ضعف و ناتوانی، ماقصد بک تکسسه گاه ساسی... تشکیلاتی پرولتاریائی در صحنه سیاسی بود، بناچار به بورژوازی و خط مشی و برنانه او روی آورد و راه را برای دستبایی او به قدرت دولتی هموار کرد و به عبارت دیگر ارگان دولتی را، حاضر و آماده و پیش از آنکه خود منصرف شود، بطور عمد در اختیار بورژوازی لیبرال قرار داد و بدین ترتیب دست به آن چیزی که امپریالیسم نیز بس از تمام شکستها و عقب نشینها برای سه تحقق رسا نیدن آن تلاش سسار و رزیده بود، جامعه عملی پوشاند و با چنین توصیفی بورژوازی لیبرال که در حاشیه قیام حریفانه در انتظار بود نسا

زبان ناری " (نقل از سخنان نخست وزیر) پیدا کرده اند، آنها چگونه؟ به خرج مردم ستمکسیده، یعنی ار سول دولت. از سوی دیگر دادن اسن امکان به امربا... لنسست ها و واستگنان اسن که با بائمانده بولهای خود را که هنوز از اسرا ن خارج کرده اسب، خارج کشند و با آترا به بخضای سوده آورنری منتقل کنند. اما هنوز یک جانب قضا مانده اسب. آنها سلیفنا تا سو و کرنا برای دولت و هواداران اش که هم اکنون نیز آغا ز شده اسن و حازدن اسن دولت، به عنوان انقلابی و در همین رابطه حمله به گروههای مترقی که از دولت سخر خاطر محافظه کاری و سارزش انتقاد میکنند و در عن حال ماست مالی کردن مسئله مجلس مؤسان و قانون اساسی. اما نکته حالب تر پیدا شدن فرصتی اسب هم برای روسونسستها ی خا شن کمبته مرکزی حزب نوده و هم برای دنگران تا با تائید اسن اقدام انقلابی! سوده ای سر در سوزگی اولخش یکسند و گا می فراتر در تحمیل سوده ها بردارند. همین جا بگوئیم که تائید اسن اقدام توسط برخی گروههای مترقی از سرتسی جدا گانه اسب، زیرا که به احتمال سسار، آنها به ملی گردنی از نوع دبگر می اندشند.

## ما چه می گوئیم؟

اما ما چه می گوئیم؟ ما میسرسم، مگر نسبه اسنست که سرما به های اسن بانکها حاصل غارت کشور ما اسب؟ مگر به اسنست که اسن بانکها تا کنون دهها سراسر سرما به اولیه خود سوده مانده که آسارا یا به خسارح منتقل کرده و با در جا های دبگر سرما به گذاری کرده اند؟ و مگر افزایش سرما به اسن اسن سوده های نسبب که نسبه آترا جز در کشورهای واسنه ای صل ما بسه خواب هم نمی بسبند؟ تازه از سوی دیگر کسانیکه مسئله مالکیت مسرع و مسروق را بسش نمکشند، مگر فراموش کرده اسب که روش قارح مانند اسن بانکها و سبب است حکام و افزایش سرما به آنها در دوران رژیم سببب سوده اسب؟ رژیمیکه در سر سزدگی آن به امبرالیسم هبجگونه شک و شنبه های نیست. بس اسن چگونه مالکیت مسروق اسب که باید حفظ شود؟! بس دبگر غرامت برای چه؟ باز خرید سهام کدا مسست؟

بنا به ملی کردن سهام سرمایه و دارایی بانکها بدون پرداخت غرامت به سحر شکلی، معتقد سوده و بر آن با فشاری میکنیم. البته همین جا تذکر دهیم که میان سها مداران کوچک و بزرگ تفاوت قابل هسبتم.

شک نیست که باید سهام اسن افراد باز خرید شود نسا از ملی شدن بانکها زبانی سنسیند و ناهم شکی نیست که سپرده های اشخاص باید محفوظ بماند. اما ای سسن محفوظ ماندن هم نماید نسا مل امبرالیستها و واسبگنا نشان باشد. اگر غیر از اسن باشد، مثل اسنست که دو بار اسن مردم را غارت کرده باشند، بار اول از طریق عملیات خود بانکها و بار دوم بطور غیر مستقم از طریق پرداخت غرامت و با باز خرید سهام بانکها توسط دولت.

حال سبببیم بس از اسن چسبن ملی گردنی که مورد نظر ماست، چگونه باید کار را دنبال کرد. مسوارد مورد نظر ما عبارتند از:  
الف - ادغام کلبه بانکها و تشکیل یک بانک دولتی سراسری.

- ب - اخراج کلبه کارشناسان و مدبران خارجی بانکها.
- پ - سپردن مدیریت اسن بانک دولتی به شورای منتخب کارکنان بانکها.
- ت - یکسان نمودن حقوق کارکنان بانکها، بر اساس افزایش حقوق کارکنان کم درآمد.
- ث - بخشودگی وام های زحمتکشان (اعم از کارگران، دهقانان، کسبه خرده نا و امثالهم)
- ج - هدایت سرما به گذاری اسن بانک در جهت ایجاد صنایع مادر و تأسیسات زیر بنایی کشاورزی.

آری تنها با اسن اقدامات اسبکه میتوان ملسی کردن بانکها را عملی انقلابی ارزیابی نمود. بسشوانه چنین اقدامی سوده های میلیونی زحمتکشان جا مسعه خواهند بود که هر مخالف خوانی و هر سدی را در مقابل اینکار در هم خواهند شکست و تنها آتوقت اسبکه می توان گفت یکی از کانالهای نفوذ امپریالیسم را ویران کرده اسب. لزوم ملی شدن بانکها، بار دیگر تا کبیدی اسب بر صحت نظر گروههای مترقی درباره لزوم ملی شدن صنایع وابسته، گرچه مسبر کلی دولت خلاف هرد وی اسنهارا نشان میدهد.

## دستگیری سه تن از مبارزین شوکت نفت محکوم است

امروز کارگران میهن ما و نما بندگان و حامیان آنها در وضع بغرنبی بسر میبرند. آنها که دیروز با اعتصابات سراسری خود در کارخانه‌ها و شرکتها پشت رژیم شاه حائرا بیروزه درآوردند و سراسر مابهمراه دیگران قشار خلقی طومار رژیم شاه هفتا هی را در هم بیچیدند و ضربات جانگازنی با میریالیسم وارد آوردند، آنها که با اعتصاب سراسری خود در صنایع نفت، بحقی "ستون فقرات جمعی" نام گرفتند امروز در مبارزه، خودکده چیری جز ادامه همان مبارزه بر علیه ظلم و استعمار نیست، با فشارهای متعددی روسرو هستند؛ مبارزه آنها تخطئه میشود و انگ صدا انقلاب می خورد، چوب تکفیر بر علیه آنها بلند میشود و پیگرد و آزار در انتظار آنهاست.

دستگیری سه تن از مبارزین صنعت نفت، محمدجواد حاتم، شیبرمعیل و ناصرحیاتی، ادامه منطقی سیاست زندگاری و ضددمکراتیک دولت سورژواری و همدستان وی میباشد. ما ضمن محکوم کردن این دستگیری، حمایت خود را از خواستهای دشمن خانوادها و همکاران این سه مبارز دستگیر شده اعلام میداریم.

هرچه بیشتر دوست راز دشمن شناخته و هرچه بیشتر بلزوم اتحاد و همبستگی پی برده اند. آنها در پیافته اند که خواست آنها یعنی رسمی شدن و قطع بدبیمانکاران خواست میلیونها کارگر در سراسر ایران و در شرکتها و کارخانههای مختلف است. این واقعیتی است که مدنی نیز بدان اعتراف میکند. او در مذاکره ای با کارگران چنین گفت: "اگر بخواهم استخدام کنم، مساله به ۳/۵ میلیون کارگر سراسر ایران سر میگردد و نصفش ما... و اینها را مدنی چقدر راست گفته است. ما گزارش کامل و مشروحي از شرکت ایران ترمینال و مبارزات کارگران آن در دست داریم که سعی خواهیم کرد دشمنان را یعنی "پیکار" ساوریم.

## چاره زنجیران وحدت و تشکیلات است

- ۱- دفتر سیاسی "طرفداران طبقه کارگر" مسجد سلیمان، گزارشی از مبارزات کارگران بیکار شرکت آستوم، یک شرکت فرانسوی، که روی سد مسجد سلیمان، کار می کند مشرک ساخته و حکایت از این کرده که کارگران این شرکت بطریق مبارزات چندین ماهه خود و مراجع به کلیه "مراجع" و شخصیتهای قانونی و حقوقی به نتیجه ای نرسیده اند.
- ۲- همچنین کارگران شرکت "سدلار" در روز ۲/۳/۵۸ برای رسیدن به حقوق عادلانه خود در جلوزارت کار جمع شدند و آنطور که معلوم است آنها نیز به حقوق خود نرسیده اند. (این شرکت به تازگی ۵۰۰ - ۴۰۰ کارگر را اخراج کرده و کارگران حدود ۴ ماه است مزایای دریافت نکردند.)
- ۳- کارگران بیکار شرکت آرمه - سا پس از اینکه مبارزات چند ماهه خود برای حقوق از دست رفته شان سودی نگرفتند، در تاریخ ۱۷/۲/۵۸ در محل دفتر مرکزی شرکت واقع در خیابان وصال شیرازی تحصن اختیار کردند. آنها در ضمن، نامه ای به کانون وکلای دادگستری نوشته و خواستار رسیدگی به امور خود شده اند و تا حالا نیز از کار خود سودی نگرفته اند.

اینها نمونه هایی هستند از آنچه امروزه دیده می شود بیکاری بلا فی است که گریبانگیر کلیه زحمتکشان و بالاخص کارگران است. هزینه بالای زندگی، اجاره خانه و خانوادها همی پر جمعیت که خاص طبقه کارگر است از یکطرف و بی پولی از طرف دیگر، آنها را به اعتراض و تحصن می کشاند. اما، مسله ای که اینجا مطرح می باشد اینست که کارگران از حرکت منفرد و نامتشکل خود نمی توانند سودی برده و به هدف خود برسند و نمونه های بالا نیز درستی این مطلب را ثابت میکنند. تجربه کارگران بیکار شهر آبادان در این مورد از ارزش فوق العاده ای برخوردار است و کارگران بیکار کلیه شهرها باید که از آن درس لازم را بگیرند.

کارگران بیکار آبادان برای مبارزه علیه بیکاری و احقاق حقوق خود، دور هم جمع شده و سندیکای کارگران بیکار را ساختند. تا متحدا و یکپارچه مبارزه کرده و همگی با هم به حقوق خود برسند. اتحاد و یکپارچگی آن چیزی است که کارگران بدان نیاز دارند و از کارگران نیروی میسازد که کارفرمایان و دولت سرمایه داری قدرت مقابله در برابر

رسمت سندیکا ساخته بود. کارگران پس از طی مراحل عادی مبارزه خود مذاکره با مقامات مسئول از مدبرعامل شرکت، رئیس اداره بنادر، نخست وزیر، وزیر کار و... وقتی این مذاکرات و نامه نگاری بیفایده از آب درآمد و ما هیئت این دستگاها سراسر روشن گشت، از تاریخ ۲۲/۷/۵۸ دست با اعتصاب زدند و راه چاره را مثل همیشه و همه جای دنیا در اعتصاب و تکانه به قدرت خود دیدند. کارگران نعلت آنکه بطور کامل و با تمام وجود به حقانیت خواستهای خود ایمان داشتند، علیرغم توطئه ها، دسیسه ها و گارتکنیهای عوامال شرکت و عناصر شناخته شده، حدود یکماه دلبران، با اعتصاب خود ادامه دادند. در تمام این مدت سیاست نفی سراسر را پذیرد دولت در مقابل خواست کارگران سکوت بود، وسی کرده است تا متوسل شدن به این توطئه در مقابل خواست بحق کارگران استنادگی کند. جبرا که رسمی شدن و استخدام کارگران از ابتدائی ترین حقوق کارگران بوده و بقدری طبیعی میباشد که مقامات مسئول بهبجوه نمیتوانند در صحنه انرا رد کنند. از طرفی ما هستت بیمانکاران و سرمایه داران شرکت بر همه کن روش است و اینان جزواستگي و دلالتی برای امیریالیست و کسب سودهای کلان کار دیگری انجام نمیدهند. ولی "دولت موقت" بجای اینکه طرف کارگران را بگیرد دست کارگران را در کنترول اموز با گذاشته و با تکانه نگارگان، دست این زالو صفتان را از حیات مملکت کوتاه کند، آری بجای همه اینها دست استمداد بسوی همان رانولصفتان سابق دراز میکند، آنها را در مقابلهای خود ایفا و ضمانت میکند که جان و مال آنها از هرگونه آسیبی در امان باشد. و چنین است که کارگران پس از یکماه مقاومت دلیرانه، بدلیل شرایط بحرانی خرمشهر، دست از اعتصاب کشیده و بدون دریافت پاسخی مشخص سرکار خود بر میگردند. اما کارگران اینبار دست خالی سرکار بر نمیگردند آنها در طول این مدت کوله باری از تجربه بدست آورده اند.

## کارگران آکام: صنایع را ملی کنید.

کارگران شرکت آکام از تاریخ ۱۹/۳/۵۸ تحمن کرده و اعلام کرده اند که "ما کارکنان گروه صنایع ساختمانی آکام به منظور بول تحصن نکرده، بلکه تحصن ما به منظور روش شدن وضع تاسیسات آکام است. آنها از دولت میخواهند که "همچنانکه نانکها را ملی اعلام کرد، صنایع را بسیر ملی کند" (نامه به معام امروز) کارگران منحصن عنوان میکنند که "دولت حتمنا باید تکلف" لاجوردی" را که سالها حو کارگران را مکیده و حقان را خورده، روس کند و به وضع سرمایه او رسیدگی نماید". آنها همچنین می گویند که "لاجوردی" که از سرمایه داران وابسته به آمریکا و از طرفداران سرخت رژیم شاه بود، او که همیشه مانع از مبارزات کارگران شده و کارگران را با تهدید به اخراج و اذ از به تظاهرات نفع شاه می نمود، الان چطور شده چهره عوض کرده و انقلابی شده است. او با تقسیم کارخانه به بخشهای مختلف همچون آکام بتون و آکام فلز و... اولا ملیت کمتری به دولت می بردازد.

- ۱- استقلال تاسیسات آکام و خارج شدن آن از یوغ شرکت زمینه کوتاه کردن دست وابسته های شرکت زمینه از آکام.
- ۲- واگذاری کلیه قراردادهای شرکت زمینه از طرف آکامها با کارفرمایان دیگر منعقد نموده، به خود آکامها.
- ۳- اجرای بدون قید و شرط صورت جلسه مورخه ۲۲/۱/۵۸ که در وزارت کار تنظیم شده.
- ۴- تهیه مواد اولیه جهت شروع به کار.
- ۵- راه اندازی هرچه زودتر کار شرکت های آکام فلز و آکام بتون و ایجاد کار.
- ۶- پرداخت حقوق ارد بیهشت ماه ۵۰۰.
- ۷- پرداخت سود ویژه سال ۵۰۰.
- ۸- پرداخت بدهی کارفرما به شرکت های تعاونی مصرف و اعتبار.
- ۹- پرداخت هفت درصد (۷٪) حق بیمه سهم کارکنان به سازمان تامین اجتماعی.
- ۱۰- تضمین حقوق ماههای آینده کارکنان.

شکرت ساختمانی آکام  
آکام، کانا، شرکت آکام فلز و آکام بتون

کارگران شرکت "ایران ترمینال" امرتخله اسکله و بندر خرمشهر و انتقال "بارها" سانبارها و محوطه خارج از اسکله را با انجام مرسا سند. این عمل در شرایطی صورت می گیرد که کارگران از ابتدائی ترین وسایل ایمنی و بهداشتی محروم بوده و اغلب آنها در معرض مسمومیت های مسمواد شیمیائی و مرص سل قرار دارند. روزانه ۱۲ ساعت کار اجباری با حقوقی معادل ۱۲۰۰ - ۱۸۰۰ تومان در ماه که حتی کفاف مخارج اولسه زندگی شان را نیز نمیکند، تن در میدهند. این کارگران بیمانی بوده و هیچگونه تضمینی برای آینده خود ندارند.

کارگران تحت این شرایط سخت و طاقت فرسا، کاری را انجام میدهند که سودهنگفت آن بجنب سرمایه داران زالو صفت وابسته با میریالیسم، بیمانکاران و مدبرعاملهای دست نشانده ای از قبیل "شقیب" مدبرعامل "ایران ترمینال" که از خدمتگزاران رژیم بوده و از چاول و حقوق کارگران به سودهنگفتی رسیده اند، سرود. اشخاصی که امروزه "انقلابی" شده و از طرف دولت در دستهای خود باقی مانده اند. بهمین جهت بود که کارگران "ایران ترمینال" پس از مبارزات پیروزمند خود در سال گذشته برای "حق شیفت شبانه" و "باداش و عیدی"، وقتی بلزوم وحدت و مبارزه پی برده و "سندیکای" واقعی خود را بیهمت هیئت موسس و رهبری کارگران مبارز و مورد اعتماد تشکیل دادند، به درستی شعار "رسمی شدن" و "قطع بدبیمانکاران زالو صفت" را با قاطعیت تمام در سر لوحه مبارزات خود قرار دادند. این مبارزه در شرایطی آغاز گشت که سندیکا با اعتبار پشتوانه توده ای خود از فروردین ۵۸ شرکت را واداره قبول

## بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای مهندس سهرمدی، یازگان نخست وزیر دولت موقت جمهوری اسلامی ایران بر هیچکس پوشیده نیست که ستون اصلی مبارزات قهرمانانه خلق ایران را کارگران تشکلیل میدادند. این حقیقتی است که شما و تمام رهبران انقلاب

بسم الله الرحمن الرحيم  
جناب آقای مهندس سهرمدی، یازگان نخست وزیر دولت موقت جمهوری اسلامی ایران بر هیچکس پوشیده نیست که ستون اصلی مبارزات قهرمانانه خلق ایران را کارگران تشکلیل میدادند. این حقیقتی است که شما و تمام رهبران انقلاب

اما مبارزه همچنان ادامه دارد

بیست سال از قتل کارگران کوره پزخانه های تهران می گذرد. بیست سال از روزهای که خون اسن زجر دستان بر زمین ریخت میگذرد... اما مبارزه برای رسیدن به حداقل زندگی، برای بهبود شرایط کار، برای رسیدن به حداقل خواسته های خود همچنان ادامه دارد. در این مدت مبارزات بسیاری از جانب کارگران کوره پزخانه ها صورت گرفته و کارگران تجارب فراوانی اندوخته اند. جنگ با سرمایه داران، برای کسب حقوق عادلانه، شرکت در مبارزه بر علیه رژیم شاه خائن، چیزهای بسیاری به آنها یاد داده است. و آنها را در شناخت سیستم سرمایه داری عمیق تر ساخته است. کارگران کوره پزخانه ها به دلیل مجموعه شرایط حاکم بر آنها جزو آن بخش از کارگران هستند که هنوز حتی برخی درخواستهایشان نظیر ۸ ساعت کار و... در چهار قانون کار فدا کارگری قبلی است. اما انقلاب آگاهی بخش است، انقلاب توده های عقب مانده زحمتکش را نیز بیدار میکند و به آنها درسهای زیادی می آموزد. به همین لحاظ امروز ما شاهدیم که کارگران کوره پزخانه در صحن تلاش برای رسیدن به خواسته های پست با افتخار، اراده خود را برای اداره کردن کوره ها از طریق "شورا های کارگری" ابراز میکنند. در زیر به نمونه گویایی از مبارزات کارگران کوره پزخانه ها اشاره میکنیم:

مبارزات کارگران کوره پزخانه های آمل در اردیبهشت و خرداد ماه

پس از مدت ها اعتراض و اعتصابات پراکنده و بی نتیجه کارگران ۱۱ کوره پزخانه آمل تصمیم به یک اعتصاب سرتاسری می گیرند. در جریان این مبارزه آنها چه بصورت جداگانه و چه بصورت یکپارچه خواسته های برحق خود را اعلام کرده اند که بطور محوری عبارتست از: ۱- اجرای برخی مفاد همان قانون کار کدائی قبلی (نظیر ۸ ساعت کار و سرویس و...) ۲- تهیه وسائل یعنی با توجه به محیط بسیار کثیف و گرد و غبار آلود کوره ها.

آن را ندارند. از طرف دیگر وقتی کارگران، سند یک تشکیل می دهند، می توانند خواسته های خود را بطرز عادلانه ای که حقوق تمام کارگران را در نظر بگیرد تنظیم کنند. بعنوان مثال بعضی از کارگران، از روی نا آگاهی در مراجعه به شرکت های خود تقاضای وام می کنند. در صورتیکه این حق کارگران است که در دوران بیکاری، حق بیکاری دریافت کنند، چرا که آنها در دوران کار در کارخانه و شرکت چندین برابر پولی را که بعنوان دستمزد دریافت کرده اند، به جیب سرمایه دار ریخته اند و حالا کارفرما باید که پول دوران بیکاری را بپردازد و بعنوان حق بیکاری به کارگران مسترد دارد. آری، دوستان کارگر! چاره پایان دادن به بیکاری و گرفتن حق خود این نیست که جدا از هم و پراکنده دست به مبارزه بزنیم. در این حالت کسی به حرف ما گوش نخواهد کرد و علاوه بر این نیرویمان کم بوده و سرمایه دار در مقابل ما مقاومت خواهد نمود. علاج کار در این است که مشکل شده و دست بدست هم بدهیم. در نظر بگیرید اگر کارگران بیکار تهران دور هم جمع شوند و سند یکای کارگران بیکار را بسازند، چه نیروی عظیمی خواهند شد. "چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است"، این حرف بدروستی چاره کارگران و کلیه رنجبران است. بکوشیم تا متحد شویم و در صفوف واحد و یکپارچه برای گرفتن حقوق خود مبارزه کنیم.

هموطنان مبارز! کمکهای مالی خود را به حساب جاری شماره ۵۸۷ بانک صادرات ایران - تهران شعبه ۱۳۲۹ خیابان کارگر (امیر - آباد جنوبی سابق) واریز نمایید.

۳- ایجاد سندی کا واقعی. ۴- اضافه دستمزد. ۵- جلوگیری از اخراج کارگران و بازگشت کارگران اخراجی به سرکار. در ضمن کارگران برخی از کوره ها لغو نظام وحشیانه کنتراتی و نظارت در فروش و تولید را خواستار گردیده اند. نمایندگان کارگران علیزغم دوندگی های فراوان و آمدورفت به تهران، نمی توانند به همه خواسته های خود برسند. و خواسته هایی را نیز که در مورد آنها با وزارت کار و کارفرمایان به توافق رسیده بودند، عملاً بر روی کاغذ می ماند. وزارت کار (تهران) طبق معمول اعتصاب کارگران را "ضد انقلابی" می نامد و تنها با پرداخت ۲٪

بنام مردم آمل سخنی بامردم مبارز و آگاه آمل

مردم مبارز آمل: خبر مربوط به اعتصاب و تحصن ما کارگران کوره پزخانه ها را همگان شنیده اید. همچنین خبر دارید که علت کمبود آجر در بازار کارهای ساختمانی هم گساده است و نیز فروش مصالح ساختمانی از قبیل گچ، سیمان، آهک... رونق زیادی ندارد اما در این بین عوامل کارفرمایان و عناصر مزدور و رکوش میکنند که با شایعه پراکنی و دروغگوئیها افکار مردم مبارز آمل را بر علیه ما آشفته کنند. این عناصر توطئه گر میخواهند مردم بگویند که اینها (یعنی کارگران) افرادی ضد انقلاب و تحریک شده و... هستند. میخواهند بگویند که علت بیکاری و کساد بازار مصالح ساختمانی، اعتصاب کارگران کوره پزخانه ها میباشند. تا از این طریق ما کارگران را تحت فشار بگذارند و نگذارند که حقوق طبیعی و قانونی خود را بدست آوریم.

مردم آگاه آمل:

۱- ما کارگران کوره پزخانه ها برادران شما کارگران و مردم زحمتکش هستیم و مثل شما از سپیده صبح تا سپاهی شب جان می کنیم. جایی که ما کاری کنیم از گرمای آفتاب و از آتش سوزان کوره ها از جهنم هم بدتر است. محیط کار ما که از گرد و غبار و دود... پر شده نفس کشیدن را هم برای ما دشوار می کند. در زیر کارهای طاقت فرسا کی و جوانی و نیرو و انرژی خود را از دست دادیم و به استخوانهای بی رمقی تبدیل شده ایم. دستهای ما پینه بسته است. خلاصه اینکه نه آب داریم، نه بهداشت است داریم، نه لباس کار داریم، نه سرویس داریم، نه غذا خوری، حما می. از همه اینها گذشته مزدی هم که بابت آن کندن خود می گیریم، به زحمت کفاف خرج زن و بچه ها و زندگی مان می شود. در عوض کارفرمایان (سرمایه داران) از حاصل کار ما برتوینا بچی می زنند و بقیه خانه خرابی ما خانه ها درست می کنند و بیهای بیچارگی ما بهترین زندگی و رفاه و راحتی را برای خود و بچه هاشان دارند.

کارگران پس از این اعتصاب نیز هنوز (حدود نیمی خرداد) سرگردان بوده و نتوانسته اند به حقوق عادلانه شان برسند. در این رابطه کارگران اعلامیه ای منتشر کرده و تصمیم خود را بعد دست گرفتن تولید توسط شوراهای کارگری اعلام می دارند. متن اعلامیه بدین شرح است:

کارگران کوره پزخانه ها تولید را در دست میگیرند

اجناس بطرز سرسام آوری بالا میروند ولی مزد مان را، تا جانمان را بلب: رسانند حتی یک شاهی بالا نمیبرند، تازه جالب اینجاست که به بهانه دروغین اضافه دستمزد کارگران کوره پزخانه ها، یکباره قیمت آجرها هزاری ۸۰ تا ۱۰۰ تومان بالا بردند. ما به این آقایان دیگر اجازه نمیدهم که با اضافه کردن قیمت آجر دسترنج برادران کارگر و همشهریانمان را بالا بکشند. ما کارگران کوره پزخانه های آمل که مدت زیادی است توسط کارفرماها سرگردان شده ایم و از هیچ طریقی موفق به گرفتن حقوق مسلم خود نشده ایم، اعلام میداریم جهت درهم شکستن توطئه های کارفرمایان و رسیدن به خواسته هایمان و همچنین کاهش بهای آجر به قیمت عادلانه، از روز شنبه ۱۹ خرداد تولید را مستقیماً توسط شوراهای کارگری در دست خواهیم گرفت و تا روشن شدن اوضاع به تولید ادامه دادیم. در ضمن حمایت بهید ریخ شما مردم غیور و آگاه آمل هستیم. در ضمن از همشهریان شریف و خریداران زحمتکشان آجر تقاضا داریم برای خرید آجر بگیریم دفترهای فروش آجر در شهر به کارفرمایان رجوع نکنند بلکه مستقیماً آجر را در سر کوره از شوراهای کارگری خریداری نمایند.

برای آنکه حقوق پایمال شده خود را پس بگیریم برای آنکه از زورگویی کارفرماها جلوگیری کنیم برای آنکه از خریداران زحمتکشان آجر حمایت کنیم پیش بسوی بدست گرفتن تولید در کوره پزخانه های آمل (نماینده گان منتخب کارگران کوره پزخانه های آمل)

بنام خدا همشهریان مبارز و آگاه آمل! بعد از پیروزی انقلاب با شکوه خلق قهرمان ایران، ما کارگران کوره پزخانه های آمل که در بدترین شرایط کار زندگی قرار داریم، خواستار تغییراتی در وضع زندگی هستیم و حقوق از دست رفته خود مان از کارفرماها شدیم. ولی به تدریج به دریافتیم که حق گرفتاری است نه دادنی. نه تنها کارفرماها هیچ قدم مثبتی در جهت بهبود وضع زندگی ما کارگران برنداشتند، بلکه با دست زدن به هرگونه حیل و وسیله ای زمینه های ایجاد تفرقه و لاسردی را در بین ما بوجود می آورند. ما در عمل دریافتیم که باید دست به یک حرکت جمعی بزنیم و این بدان علت بود که می دیدیم با حرکات پراکنده و خواش و تمنا کاری از پیش تعمیر ووقف اتحاد و همبستگی ما کارگران است که میتوانستند، کارفرمایان را مجبور به دادن جزئی از حقوق از دست رفته مان بکنند.

مردم کارگرد و دست و زحمتکش آمل: همچنانکه اطلاع دارید مدتی است که ما را سرگردان کردند با اداره کار طرف شدیم، حق بجانب ما دادند. به فرمانداری رفتیم آنجا نیز حق با ما بود. بالاخره به تهرانمان بر نماند، نمیدانم مقراتون کارآر ما تهران فرق میکند ولی حاصل هر چه بود آنجا نیز خواسته های ما را تایید کردند. اما همه آنها با بر روی کاغذ ماند. ما کارگران عمل میخواهیم باید زندگی ما تا مین شود خودتان هر روز شاهد هستید که چگونه قیمت های

**ادامه از صفحه اول نتایج قیام...**

جنین نوده ای با مضمون و اعتلای انقلابی فزاینده اش و با ترکیب اشکال مخلف مبارزه و بهای عالیترین شکل خود، فنام شکوهمند مسلحانه سوده‌ای در بهمن ماه، ساط رژیم مردود سلطنتی را بهم ریخت. دستگاهی که با ماشین عظیم سرکوب و حفاش خود سسار مقفا و متر از آن منممود که طی اس برسوه سسارزاسی نسبتاً کوتاه طومار س درهم سجده شوه.

این قیام به متابه سحلی اراده استوار و اعمال قهرانقلابی توده‌های خلی در برابر هرگونه مقاصب و حملات جنون آسا و فیهر آسا و قهر صد انقلابی رژیم‌مزدور شاه معادلات و توطئه‌های سسگرانه امبرالیزم را در انتقال مسالمت‌آمیز سدرب ساسی برهم زد، انتقالی که امبرالیزم در آن تمام امیدها و آرزوهای خود را بر پایه واسطه‌گری و دلال منشی بورژوازی لیبرال و توهमत لیبرالی خرده‌بورژوازی سنا نهاده بود، انتقالی که طی آن امبرالیزم مسکوشید تا از موضع قدرت و بسا ابتکار مستقیم خود و حفظ تمامی نهادهای امپریال-لیستی سهم قابل توجهی از قدرت‌راسه بورژوازی لیبرال و تا حدی به بخشهای بالائی خرده بورژوازی تظویسفی نماید و آنها را در قدرت شربک نماید بطوریکه حتی الامکان در جریان این انتقال کمترین زیان را متحمل گردد، انتقالی که شختبار از سوی امبرالیزم بازرگان و سنجایی و... به عنوان "نمایشگان" رهبری جنین نقش‌آفرین صحنه‌های آن بودند و رسالت‌به فرجام رساندن آنرا بر عهده گرفته بودند. (۱)

اما شرایط قیام بنا بر ویژه گپها، س آنجان که سخن رفت، موقعیتی را فراهم آورد تا سبورژوازی لیبرال بخصوص آن بخشی که با آراستن خود به لباس مذهب، چهره فریبنده تر و قابل اعتمادتری بخودگرفته بود، بتواند با تکیه بر ترلز، تردید و سسازش طبقاتی خرده‌بورژوازی و با بهره‌گیری از توهमत لیبرالی و مذهبی آن، در خلای حضور فعال و سددرت ساسی مسشکل پرولتاریا و نمایشگان س سیاسی آن و در شرایط فقدان شکل و سازمان بافتنی توده‌ها، فرصت بیشتر برای خزیدن به سمت قدرت سیاسی و اعسار و تالی سیاستهای ضد انقلابی خویش بیاید.

در چنین اوضاع و احوالی انتقال قدرت صورت می‌گیرد، نیروهای سیاسی جدید جایگزین نیروهای سیاسی قدیم میگرددند، انتقال و جایگزینی توپینی که سس آنچه که مورد تمایل امپریالیزم بر اساس فرمول سسازش مورد نظر او بود تفاوت داشت.

**جنبه طبقاتی تحول سیاسی:**

قدرت سیاسی بورژوازی کمردور با قیام مسلحانه نوده‌ها و سرنگونی رژیم فرتوت سلطنتی فروریخ، اما کلا نابود نشد. قسام بهمن ماه توانست آن ششمانی از هیئت حاکمه و قدرت‌سالی حاکم را از سربر سدرب بزر کسد که نماسنده هارترین و فاشیست‌ترین جناح‌های امپریالستی و واستگان داخلی آنها بود. امپریالیزم که قبل از قیام با تمام مقاصب و میکوشد، حتی الامکان، و حتی به بهای قربانی کردن شخص‌ها (۲) کماکان اساس سلطنت و بانده سدردور بوروکرات‌را حفظ نموده و سلطه اقتصادی - سیاسی خویش را از طریق اختلاف سیاسی این باند به همسراه دیگر جناحهای بورژوازی کمردور که در هیئت حاکمه نقش مغلوب داشتند با بورژوازی لیبرال همچنان

(۱) - "... دشنگرا رسسد که به منظور مذاکره تاریخی میان آنتالیه حمیی و شختبار، سکا بانال ارتباطی حدس سرفرار ندده است. مبتکر اس افدام سساستمدار مذهبی انقلاب ایران مهدی بازرگان است که فعلا سس توافقیهای برای انجام مذاکره میان آنتالیه و شختبار سرتسد داده سوه. آن توافقی سحاطر مداخله سکی ار سزدگان امام حمیی معیم مامده است. آنتالیه حمیی در سخنان سدردور خود فریا ر حصول سسکار راه مسالمت‌آمیز برای حمران ایران، طرفداری کرده است. همسین شختبار به شسریکاران خسریزاری فراسهه کفتم سسپهائی با طرفداران آنتالیه سرفرار سده و راه مذاکره احتمالی کماکان سار است. " روزنامه کهای، ۱۵ بهمن ماه ۵۷، به نقل از آسوشیئت پرس.

(۲) - شساره، به متابه سس انکسده مواضسع امبرالیزم آمریکا. اگر در چند روز سساز روی کار آنتدن سسوره سقای شاه اطمنان دانسد و در ماصحه با

تمامی ماسد، به دسل اوج روز اعزون سسارسات توده‌ها، ناحار از سدیری سس امر سد که سدگر قادرخواده بود بازی را همچنان با مسره شاه ادامه دهد. و لسنا شاه ار عرصه سطنج مبارزه به کنار سجده شوه. امبرالیزم سرتآن سوه با اس اسفحال احسا ب نایدسر سدرب‌را حتی الامکان با کمترین سدادماسب و سروره و ار موضع سدرب، با سسکر بر آسروس و فرسیری اسرار سسریگیس - آرسس - ماسن سماند (۳) اسنا توده‌های انقلابی منطی سدگری داشسد و اس منطی را سرائحام در سنام فهرماسنانه سهمین ماه حوه، سطور آسکار سسان کردند.

**نتایج قیام بهمن ماه و جنبه طبقاتی تحول سیاسی حاضر**

خواستار انقلابی توده‌ها، اگرچه سسان طاهری حوه را در نابودی سلطنت و در سشار "مرگ بر شاه" مانده بود، اما "سلطنت" از دیده توده‌های سسندیسده ایران، در حقیقت بیان حاکمت آن مساسب سسکراسه و استشارگران‌ه‌ای بود که سالیها حضور نو استعماری امبرالیزم را در سنام سهمینه‌های سیاسی - اقتصادی - اجتماعی آن در ایران تحققی بخشیده سوه. توده‌ها در پس سشار "مرگ بر شاه" و "نابودی سلطنت" نابودی نظام غارنگرانه سرماشه داری وابسته را جستجو میکردند. و اسن همان پشایی بود که سنام سهمین ماه در خود نهفته داشت، اسن پیام را هم امبرالیزم و هم لیبرال‌های مایا کبسه و وحتت احسا س کردند. از همین رو در نظر آنها درنگ سسناز اسس جایز سسوه. مسبابست هرچه زودتر از سسرتس آس‌ن ساسی که ابسکار رعمال: از دست امبرالیزم و لیبرال‌های در حال ظاهر و - در جستجوی سسازش ما گرفته سوه، چلو - گیری، عمل آورد، و انقلاب را در حد قربانی شدن سلطنت و بانده مزدور شاه متوقف ساخت.

امبرالیزم سسنا و واستگان داخلی آنها با تمام قوا کوشیدند که اسن امر را در حیت خاموش سسنا سسیریه قیام تحققی نسختند. لیبرال‌ها و همچن سس خرده بورژوازی نیز که از بسوز "ناگهان" قیام مبهوت و سراسیمه گشته سوه، هرکه سس نحوی و از موضعی به مسامت از گسرتش دامنه سنام سرامند. و سرائحام نسب تلاشها به سسمر رسد و بسوزن‌ساز سرحد برسیده سدن نظام سلطنت و سساط بانده سدردور شاه فراتر سرف.

سوزوهای انقلاب با تلان توطئه حسانه امپریالیزم و خیانت بورژوازی لیبرال و ناتوانی، محافظه کاری و توهमत خرده سوزواری در سسمه راه متوقف سماند و قیام بسش از آنکه سسواند سنام سسگرهای رژیم سرماشه‌داری وابسته را در همه حجات آنها فتح کند، سس کوشش آن‌ان به خاموشی گرائسد...

سدسرتسد قیام توانست فقط به حاکمت سیاسی بانده مزدور شاه معنی جناح غالب و قدرتمند هیئت حاکمه پایان دهد. اما بخش مغلوب و ضعیفتر آن معنی نمایندگان سیاسی بورژوازی کمردور غیر بوروکرات بررغم در بافت ضرات کاری و سناکه، از آماج حملات نابودکننده قیام، سدور مانده و سسوانست در تطابق سس شرایط موجود در قدرت‌سالی حدس نیز سسکارک و سوزد.

سریکاران در ساس به سوالی در همین مورد کف: "امیدوارم اسن مسائل و اختلافات سوه، تفاهات را سس ساه و ملتحل کم... (۱۶ سسماه، کهای). سسار گمشت مدنی و سسرتس روزا فرس سسارسات سوده‌ها به سطالب اسن خیال حام بی سرد و فرسای سدن سساره سسماه بک واقعسد سدسرت:

" اسن به باقت‌سوری ساه معفد سسسم، سسماه فاسون اسن را رد سس کرده است. " (اول سهم روزنامه آسندگان) و اسن سسیر مومع سسار سسری سسیر مومع امبرالیزم آمریکا سسسه ساه سسوه.

(۲) - درست در اوج سنام معنی ۲۱ سهم سسماه، سسناکه که سس فیمل ار آن همچان سسر حفظ سسطلب اسرار سدورسد (به سسسدگی ار سوی امبرالیزم) اسس مومع را در ماصحه‌های حس انکام کرد: " فاسون اسن سساره هر سوع سسرتسری را داده است. ماحمله اعلام جمهوری (۱) ولی مردم ناسد بطور عادی سوسله مجلس

**چرا دامنه قیام توسعه نیافت؟**

چه عواملی مانع توسعه دامنه قیام به سنام عرصه سس قدرت سدحلتی حاکم و نابودی ماسن دولتی شده و امکان سسرب سوزواری کمردور را در سدرب ساسی فراهم آوردند؟ پاسخ را سسنوان سطور خلاصه سس سسنا داش:

۱- سسار سوزواری لسرال سسار شده بر گسره حسینا سساسدگان سوزواری کمردور و به وسسزه ارش (سعی عمده سس اسرار سسرب دولتی) (۴)، دست‌سافس سوزواری لسرال به سدرب ساسی و اعمال سسنا سس و سسطلات سسمر کسند و فد انقلاب سسدرمانف ار سس برسد امر اسفلاب و طلوگری ار سسین روی سسسر انقلابی توده‌ها برای نابودی کل سسسم واسنه، کوشش در حیت سرحی اعلامات و سدعلااب در ماسن دولتی گمشده ار طری سصعبی و سساز سسسه کردن بخشی از فرماندهان سسنام ارتش، برای سسج مومب به رادنگالسیم انقلابی سسش و اسجاد سسمنه مساعد برای گسرتش عناصر سسزودر و واسنه به امبرالیزم (اما کسسر سساشه شده و به اسصلاح لسرال) و سس اسقای اسن عناصر در سسش نظامی و مواع سسارمایی مهم ماسین سسرب و سسز دستگاه اداری ماسن دولتی (و رار با سسداد و دارائی، سسک مرکزی و...)

۲- سسالم حوئی و سسارش طبقاتی خرده سوزواری به سدرب سسیده، استسبابات و سساستهای اسوسپسستی و سسر طبقاتی وی که سوزواری لسرال از قبل ار قسام سطور تمام و کمال ار آن بهره می‌گرف.

۳- فقدان سسار سسرمینه بسولناریا، و سسصف و سسوانشی سسارمایی انقلابی.

۴- ضعیف‌آگاهی توده‌ها و عدم شکل‌سوزمان بافتگی آسپهاس.

سحت سسارط سوی توده‌ها سسنوانسند علسرغم سسارباب سسکر و گسرده اسفلاسنان و قیام شکوهمند مسلحانه سهم، سدرب ساسی سدساسسد و سسا حنی سهمی از آن سسرتد. سوزواری لسرال در اختلاف سسالی سس خرده - سوزواری سسنی و سدسنبال کسشادن آن و در سسارش سسنا سوزواری کمردور غیر سوزوکرات که در سسارط قسام کامهای سسزگی به عقب برداشته سوه، سدرد دولتی را عسبه سسوه...

**وضعیت جناح ضعیف بورژوازی وابسته**

در حال حاضر نمایندگان سیاسی سوزواری کمردور (قوی‌الدکر) در مقاسه با بورژوازی لسرال و خرده سوزواری از حور ساسی (سالمعسل) کمتری در قدرت دولتی سسرجوردار اس، اما به لحاظ حط قدرت اصاصادی اسن بسز بلاشها و سساسته‌های سوزواری لسرال در حط و با رسازی ماسن دولتی کهای (آرسس، سلسس، ژاسداری، سسگاه اداری...) به سدرب سس سسار سس سععود و سدرب خواجه یاسف. در اسس راه سسارس و سدسباله وری خرده سوزواری (به وسسزه خرده سوزواری سسره) و سساستهای اتوسسسسی و اسرصاصی آن در سسارط کسوی رسمه سسار مساعدی برای اس رسد اسحاد می‌سماند.

**تصرف ساده، نه درهم شکستن!**

سروه‌های ساسی حدس، ار راه درهم سسکس ماسن دولتی گدسد، به سدرب سسرسند. بلکه ار راه سسصرف ساده آن حاکمت‌سالی حوه را سسرمار کرده. و صف سدیدی از سدرب ساسی راسا سسرب سوزواری لیبرال، ادامه در صفحه: ۵

موسسان سسکسلسک مجلس اراد اسسناسی اعلام جمهوری کسسد. در ساس اسن سوال که آس اسس سعسر سورد سسول ار به سسواد سوه؟ کف: " اگر اسن سعسر بطور عادی و آرام اسحام کسرد سس، ولی اگر به زور و اهاب سسسد... " (۲۱ سسماه کهای)

(۲) - روز ۱۹ سهم ماه روزنامه‌ها اعلام مکیسد که سسارگان در حال " مذاکرات مهمی " با سسسار و سسار اسس سسسد و در همین روز فریه ناغی در سسلی حطانه سسظمان اعلام مکیسد که " اسس سساسسد در سسسد حال کسد. " که سدس سک اعلام اسن مومع سسنا ار وجود سسواصه‌های در سس سسره مذاکرات سسسد. سسوهده سسوه که سسارگان در روز ۲۱ سهم ماه معنی سدرد در کسکس دامنه قیام در سسرتس سسروه حوه در حضور سسار ۱۵۰ هزار سسر در سساره ارش که در حال کسار مردم سوه کف: " کس مخالف وحدت و سدرب اسنس سسسولی اسسده در حد معقول (۱) "